نسخه دارای ۱۲ قطعه عکس رنگی چاپی است

کنز المسافر فی بیان حدود الشمالیة الخراسان

محمد تقی «منتخب الملک»

سنه

۱۳۱۵

۲۵×۱۳٫۵

۳۴٫۵×۲۱٫۵

۲۱

نسخه دارای ۱۲ قطعه عکس رنگی چاپی میباشد

كنز المسافر في بيان حدود الشمالية الخراسان

محمد تقی «منتخب الملک»

سنه ۱۳۱۵

۲۵×۱۳٫۵
۳۴٫۵×۲۱٫۵
۷۱

طبقات سلاطین [illegible]

١ اوجه‌لار [illegible]

اوزون [illegible] احمد [illegible] واردلر [illegible]
[illegible] و [illegible]
[illegible] علم [illegible] تطبیقات

٢ مستقبدون

[illegible] منتخب [illegible] [illegible] و [illegible]
[illegible] ترتیب داده [illegible]
کرده [illegible]

[illegible] بانه [illegible]
[illegible] منتخب [illegible]
[illegible] ساخته [illegible]
[illegible]

٣ کلدانیون

۴ [illegible]

۵ [illegible]

۶ [illegible]

[illegible]

[illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] بانه [illegible]
[illegible] بانه [illegible]
[illegible] بانه [illegible]
[illegible] بانه [illegible]
[illegible] بانه [illegible]
[illegible] بانه [illegible]

٧ [illegible]

٨ فرعنه [illegible]
[illegible]

٩ [illegible]

١٠ [illegible]

[illegible] مخترع [illegible]

[illegible] خود را [illegible] نصب کرد [illegible] قسطنطنیه [illegible]

[illegible] بانی [illegible]

[illegible] بانی [illegible] کرد

[illegible]

[illegible]

١١ [illegible]

١٢ [illegible]

[illegible] بانی [illegible]

١٣ [illegible]

١۴ [illegible]

[illegible]

١۵ [illegible]

١۶ [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] بانی [illegible]

[illegible] بانی [illegible]

١٧ عرب

١٨ دیالمه

١٩ [illegible]

٢٠ [illegible]

٢١ [illegible] [illegible]

٢٢ [illegible]

٢٣ [illegible]

٢۴ [illegible] [illegible]

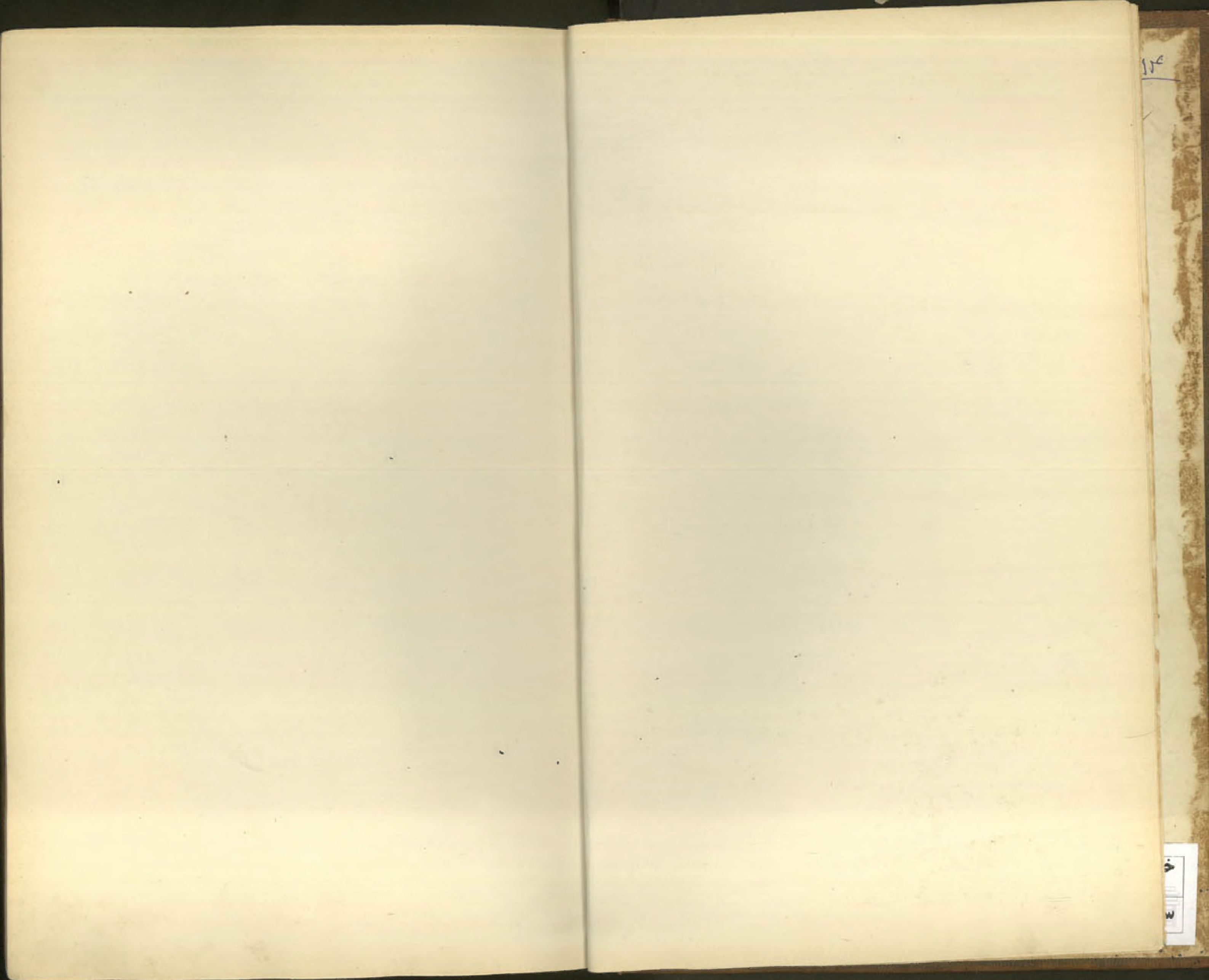

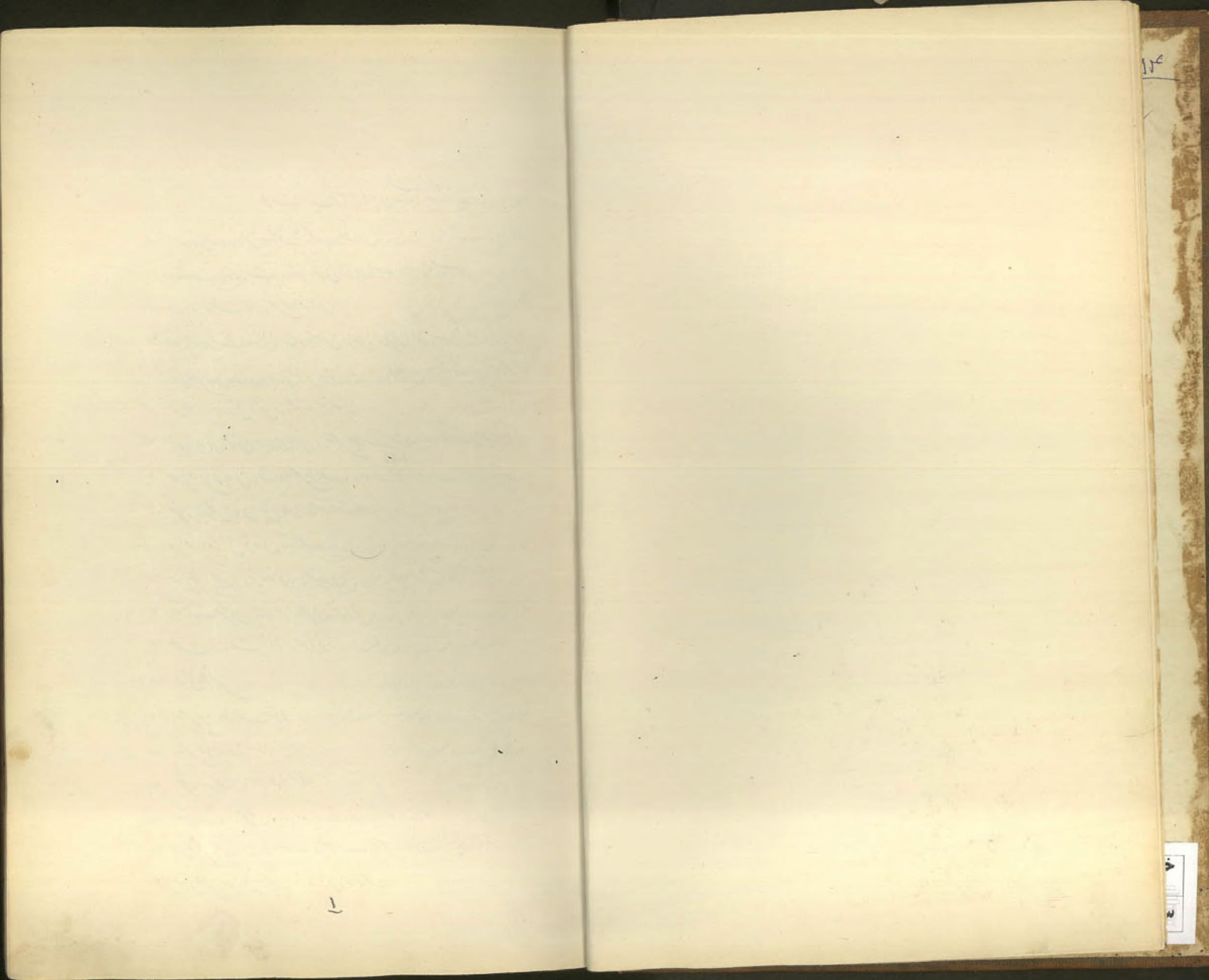

فهرست کتاب گزارشات و بیان سرحدات شمالیه خراسان

[illegible]

[illegible] حضرت [illegible]
[illegible] خواهش [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] جناب [illegible]
[illegible] اقبال [illegible]

[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] ملاحظه [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] مطلوب [illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله الذی اسری بعبده لیلاً من المسجد الحرام الی المسجد الاقصی الذی بارکنا حوله لنریه من آیاتنا و درود و تحیات و سلام نامعدود بر روان آن رهبر حنیف و برگزیده انبیا صاحب لولاک لولاک لما خلقت الافلاک ابی القاسم محمد صلوات الله علیه الملک المنان و بر ائمه و اوصیاء عترت او الطیبین الطاهرین ا

این چاکر آستان قدس محمد قاسم ابن محمد رضا [illegible] از طایفه بنی زبید از جهت پدر از اولاد عمرو ابن معدی کرب و از طرف مادر از اولاد [illegible] ابن جعفر علیه السلام است چون در ابتدای اسلام [illegible] به قول راوی عمرو معروف [illegible] در اینجا توقف و در [illegible] انتقال یافت [illegible] گرچه در جبال شامخه [illegible] اکنون [illegible] رتبه [illegible]

۱۲۶۵ بعد از آنکه در سنه هزار و دویست و شصت و پنج با سمیع خان [illegible] مرحوم والدم مأموریت عربستان و لرستان را یافت و طفلان [illegible] امیرخان [illegible] محمد تقی خان بختیاری را [illegible] به تبعیت [illegible] دولت روز افزون [illegible] مرحوم امیرکبیر میرزا تقی خان صدر اعظم ایران [illegible] مأمور گردید [illegible] دولت [illegible]

۱۲۷۴ در سنه هزار و دویست و هفتاد و چهار به نیابت کارگزاری [illegible] مأمور شد [illegible]
۱۲۷۳ به دولت علیه [illegible] والد مرحوم را [illegible] با جمعی [illegible] رفت [illegible] در طهران [illegible] مشغول خدمت در وزارت [illegible]

۱۲۸۶ در سنه هزار و دویست و هشتاد و شش [illegible] برای [illegible] تصرف [illegible] دولت عثمانی [illegible] به نیابت [illegible] در تعلیمات [illegible] مرحوم [illegible] میرزا [illegible] صدر اعظم [illegible] حاجی میرزا [illegible] از آن بطهران [illegible] کرده مشغول [illegible]

۱۳۰۰ در سنه هزار و سیصد [illegible] حضرت اقدس همایون شاهنشاه ناصرالدین شاه [illegible] ایران [illegible]

اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاه ناصرالدین شاه

عهدنامه دولتین ایران و روس مربوط بسرحد خراسان

بسم الله الرحمن الرحیم

چون اعلیحضرت امپراطور و مستقل کل ممالک روسیه و اعلیحضرت کل ممالک ایران مصلحت
دانستند خط سرحد را فیمابین ممالک خودشان واقعه در طرف شرقی بحر خزر تعیین نمایند
و در مقام استحکام الفت و دوستی که ممالک مزبوره دارا باشند لهذا مصمم شدند از برای این مطلب
یک عهدنامه منعقد نمایند و تعیین وکلای مختار برای قرارداد نمودند اعلیحضرت امپراطور و مستقل
کل ممالک روسیه جناب جلالتمآب ایوان زینوویف ایلچی مخصوص و وزیر مختار خودشان را
نزد اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی کل ممالک ایران و اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی کل ممالک ایران جناب
جلالتمآب مؤتمن الملک میرزا سعید خان وزیر امور خارجه خودشان را و ایشان بعد از تبدیل و ملاحظه
اختیارنامجات طرفین و در وفق قاعده و درستی یافتن موافقت را در چند فصول
ذیل منعقد ساختند

فصل اول

سرحد فیمابین ممالک ایران و روس در طرف شرق بحر خزر بقرار است که در ذیل معین میشود
از مرداب حسینقلی تا چات مجرای رود اترک سرحد میباشد از چات خط سرحد
بسمت شمال شرق کشیده میشود از قلل جبال سنگو داغ و ساقرم و از آنجا بسمت شمال
بجانب قله ... در کنار رود چندیر واقع ... شمال بقلل کوهها ... دره
... کشیده میشود و از قلل این جبال بسمت شرق میرود و مجرای ...
... چشمه ... برده ... و از آنجا بطرف شرق خط سرحد
رود ... تا ... و از آنجا خط سرحد ... میرود تا قله
کوههای ... واقع و از سر کوهها ... بسمت جنوب شرق ... رسیده بطرف جنوب کشیده میشود از ... کوهها ... دره ... چشمه

رود گرماب و از آنجا بسمت جنوب شرق از سر جبال ... مجرای رود ...
گرماب رسیده و سرحد ... در شمال رباط ... و از این نقطه از سر کوهها
... و از آنجا از شمال ... بسمت شمال شرق ... گوک کتل
و از گوک کتل خط سرحد میرود ... فیروزه و دهستان فیروزه دره را قطع میکند و از آنجا
خط سرحد بسمت جنوب شرق میرود تا قلل کوهها که در طرف جنوب دره و راه
... فیروزه در آن است متقاطع می‌کند بعد از آن خط سرحد تا انتهای این جبال
بشرق میرود و از آنجا از قله ... کوه اسلم میگیرد و از قلل کوهها بسمت جنوب
شرق کشیده میشود و از طرف شمال ... میرود ... کوههای زیرکوه
و قزل داغ بهم متصل میشوند و از این نقطه خط سرحد بسمت جنوب شرق میرود
از قلل زیرکوه تا دره چشمه ... و از آنجا بسمت شمال ... کاریز لطف آباد
واقع است میرود ... در شرق خط سرحدی ...

فصل دوم

چون در فصل اول این عهدنامه حاضره نقاط عمده ذکر کرده شده که از روی آنها خط سرحد فیمابین
ممالک دولتین علیتین ایران و روس باید کشیده بشود لهذا از برای دقت تعیین
کردن جزئیات خط سرحد در مواضع خود و نصب نمودن علامات سرحد طرفین علیتین
... مأمورین مخصوص بر قرار تعیین خواهند نمود ... باید ...
در ... طرفین علیتین ... معین خواهند

فصل سیم

چون قنوات کاریزهای ... واقعه در دره ... بارانی ...
... جاری میشود در شمال خط ... فصل اول این عهدنامه حاضره سرحد فیمابین
ممالک دولتین علیتین ... خواهد بود لهذا دولت اعلیحضرت ...

ممالک ایران متعهد میشوند قلعجات مزبوره فوقلان در مدت یکسال از روز مبادله تصدیق عهدنامه تخلیه نمایند و از برای دولت اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران حق خواهند داشت که سکنه ترکمان را در مدت مزبوره برای ممالک ایران ساکن نمایند و از برای دولت اعلیحضرت امپراطور ممالک روسیه متعهد میشوند که طوایف در اراضی مزبوره چادر نزده و در املاک سکنی ننمایند

فصل چهارم

چون سرچشمه رود فیروزه و همچنین بعضی رودها و چشمه‌های دیگر واقعه در ولایت و در دره‌های متصل بسرحد ایران است مشروب میسازد در خاک دولت ایران میباشد و از برای دولت اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران متعهد میشوند قدغن نمایند که از سرچشمه آن انهار تا جائی که از خاک ایران خارج میشود در خاک ایران بهیچوجه از جدول‌های جدید جهات نمایند و زمینهای تازه بکنند زراعت نمایند و بیش از آنچه بهیچوجه رعایت از قدر احتیاج آب را برای زراعت اهالی خاک ایران بدون سبب آب را باز نگیرند و از برای مراقبت در اجرای دقیق قرارداد دولت اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران متعهد میشوند که بمأمور سلطنتی بعد از گذشت معین نماید بنقص نکنند که این قرارداد را در جهات سخت نماید

فصل پنجم

بجهت ترویج روابط تجارتی مابین ولایت مزبوره و خراسان باید ساعی شود که طرفین متعهد میشوند در باب ساختن راه‌ها و عرابه برای حمل و نقل امتعه تجارتی مابین ولایت مزبوره اقدام نمایند و بالاتفاق قرار بدهند مقتضی صلاح جانب طرفین باشد

فصل ششم

از برای دولت اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران متعهد میشوند قدغن اکیده نمایند که بهیچ اسلحه

و مهمات جنگ را از خط سرحد ولایت آخال بخراسان بخارج حمل نقل نمایند و در بنادر بحر خزر نیز بیرون نمایند و از برای رسیدن اسلحه بترکمنه در خاک دولت علیه ایران کمک ندهند و کارگزاران سرحدیه ایران کمال تقریب را خواهند نمود و از برای دولت اعلیحضرت امپراطور روس هم مراقبت خواهند نمود که اسلحه از خاک ایران بخارج برده نشود و همچنین از برای دولت اعلیحضرت امپراطوری متعهد میشوند که از خاک دولت روس اسلحه و مهمات حرب به ترکمنه ایران نرسد

فصل هفتم

برای مراقبت اجرای قراردادهای عهدنامه حاضره و رفتار ترکمنه مقیمه خاک ایران از برای دولت اعلیحضرت امپراطور ممالک روسیه حق خواهند داشت که در نقاط سرحدی خاک ایران مأمورین معین نمایند و این مأمورین نیز واسطه خواهند بود در مراودات فیمابین کارگزاران طرفین راجع بحفظ و آسایش در ولایات متصله بخاک دولتین متعاهدتین

فصل هشتم

عهود و شروط دیگر در عهدنامه‌جات و قراردادهای سابقه مابین الدولتین العلیتین متعاهدتین با قوت خود باقی و برقرار خواهد بود

فصل نهم

این عهدنامه در دو نسخه بیک مضمون ترتیب یافته است و بخط وکلای مختار طرفین رسیده و بمهر ایشان ممهور شده است و از جانب اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران و اعلیحضرت امپراطور ممالک روسیه مصدق و ممضی و تصدیق نامجات دولتین بتوسط مخصوص ایشان مبادله خواهد شد در مدت چهار ماه یا زودتر اگر ممکن باشد در دارالخلافه طهران و مابین وکلای ایشان مبادله خواهد شد تحریراً در دارالخلافه طهران بتاریخ نهم دکابر ۱۸۸۱ مسیحیه مطابق بیست و هشتم محرم الحرام ۱۲۹۹

صورت سفرنامه ... از طهران ...

بسم الله الرحمن الرحیم

دوشنبه چهاردهم ربیع الاول ۱۳   از شهر طهران بسرخه حصار اعلیحضرت شاهی روحنا فداه ... از
از جنوب رو بهم رفته رو بمشرق رفت دارد دو فرسخ از دروازه شهر طهران میکند یک رشته
کوه ... بجنوب ... شرقی ... حقیقته ... که ... است
قطع کرده ... مشرق ... حرکت میشود ... است در یمین طهران
در طرف یمین ... رشته کوه ... در طرف یسار واقع و ... سه فرسخ ...
نقطه گذشته ... غروب آفتاب دارد ... اینجا ... است ...

و حصن خیر است و آب ... قنات ... باغ ... جاری ... نهر ...
از قرار ... باغ ... فصل ... از جانب ... صید ... این منزل
همراه بود

سه شنبه پانزدهم ربیع الاول ۱۳   از ... تا ایوان کیف ... فرسخ ... رفت
دارد اگرچه ... صاف و هموار است ... تمام ... است
بعد از حرکت از منزل ... خانه ... دارد ... است
در جهت ... میدان ... منزل ... رفت ... فرسخ بیشتر
... واقع ... در این
... دیگر ... نهرها ... آب ... دارد
و آب ... است ... رفته رو بمشرق حرکت دارد
... در یمین و یسار راه ... واقع است ... فرسخ از مشرق گذشته ...
شرقی ... حرکت ... قریب ... الله
... محمد ... مبارک است ... رقم ...
... اسلام ... عباس ... یسار ...
و حرکت می کرد ... ایوانکی ... دارد ... است
... طهران ... رقم ... کرده ... کرد ... معجب کرد
ایوان کیف ... چهار فرسخ است ... دیگر است ... رفته
... قریب ... غروب ... است
... است منزل ... قریه ... رشته کوه ...
دارد ... واقع است ... دارد

روز پنجشنبه چهاردهم ربیع الثانی [illegible] از ایوان کیف به قشلاق [illegible] فرسخ مسافت رو بمشرق دارد
دو فرسخ از منزل گذشته [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] است [illegible] [illegible] [illegible]
دو فرسخ [illegible] [illegible] حرکت کردیم [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] است [illegible] [illegible]
از آب برف [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] واقع [illegible] [illegible] کرده
پس از [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] است [illegible]
[illegible] [illegible] است [illegible] [illegible] غالباً در طرف [illegible] واقع است دو فرسخ
حرکت کرده وارد قشلاق شدیم [illegible] [illegible] [illegible] است [illegible] [illegible] [illegible]
سخت بود [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
ال سیف الدوله [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] ساخته [illegible] [illegible] دارد کاروانسرای اینجا
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] مختلف [illegible] می کرد
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] است منزل کردیم
[illegible] [illegible] خوب است [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] است آب [illegible]
دارد [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

جمعه پانزدهم ربیع الثانی [illegible] از قشلاق به [illegible] فرسخ [illegible] [illegible] [illegible] فرسخ
[illegible] مسافت رو بمشرق دارد اگر چه [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] می شود [illegible] [illegible] منزل
[illegible] [illegible] میدان [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
کرده [illegible] است [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] واقع است [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] کرده قریب دو فرسخ [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] است [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] است
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] است [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] در طرف راست راه واقع [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] است فراوان دارد
[illegible] [illegible] [illegible] خیلی خوب است و از آن [illegible] [illegible] قریب [illegible] فرسخ [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
واقع [illegible] است [illegible] [illegible] [illegible] دارد کاروانسرای [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
کرده است [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] است [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] است [illegible]

جمعه [illegible] ربیع الثانی [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] فرسخ مسافت [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] فرسخ [illegible] [illegible] بمشرق است [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] عراق [illegible] است [illegible] [illegible] فرسخ [illegible] راه [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] منزل [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] دارد [illegible] آب دارد [illegible]
[illegible] فرسخ [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] است [illegible] [illegible]
است [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] است [illegible] [illegible] [illegible] خوب دارد [illegible] [illegible] [illegible]
اینجا است [illegible] [illegible] [illegible] است [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] می کرده [illegible] منزل [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

سر برف و اتفاق است خسته و ناتوان می‌شویم [illegible] [illegible] حرکت [illegible]
[illegible] [illegible] ده فرسخ راه رفته است

[illegible] ۱۷ ربیع الثانی ۱۳۰[illegible] [illegible] به سمنان [illegible] مسافت در [illegible] دارد راه آن

[illegible] هموار است [illegible] یک منزل [illegible] فرسخ [illegible]
[illegible] [illegible] می‌کرد
[illegible] [illegible] [illegible] است
[illegible] [illegible]
[illegible] جمعیت دارد [illegible] [illegible]
[illegible] از اینجا تا سمنان سه فرسخ راه [illegible] یک منزل [illegible] است [illegible]
[illegible] حرکت [illegible] کرده [illegible] [illegible] است [illegible]
راه مشهد [illegible] [illegible] منزل کردیم [illegible] سمنان [illegible] قریب
[illegible] [illegible] دارد [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] دارد [illegible]
[illegible] [illegible] است [illegible] قریب [illegible]
دروازه مشهد واقع شده است [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible]
سه هزار خانوار دارد

یکشنبه ۱۸ ربیع الثانی ۱۳۰[illegible] [illegible] [illegible] راه [illegible]
[illegible]

دامغان
از سمنان [illegible]
[illegible] منزل

[illegible] به [illegible] است [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] منزل [illegible]

دوشنبه نوزدهم ربیع الثانی ۱۳۰[illegible] از سمنان [illegible] فرسخ مسافت [illegible] دارد
قریب یک فرسخ [illegible] سمنان [illegible] راه [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] سه فرسخ [illegible]
مسافت کردیم [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] فرسخ است [illegible] اطراف راه [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] ساخته است [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] دارد

دامغان
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

سه‌شنبه بیستم ربیع الثانی ۱۳۰[illegible] [illegible] فرسخ مسافت [illegible] دارد
[illegible] [illegible] فرسخ [illegible] منزل [illegible]
[illegible] [illegible] برف [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] صحرا برف [illegible] حرکت می‌کردیم [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] است [illegible]
[illegible] است [illegible] [illegible] دارد [illegible]

رودخانه بجگرد که از آن می‌رود و کالا و آسیا [illegible] ریشه کرده [illegible] طرف [illegible] راه [illegible] چهار

میدان رود بتال متصل دارد [illegible] این طرف واقع شده [illegible] نقطه [illegible]

وتر [illegible] چه گو [illegible] را تر [illegible] کرده است [illegible] منزل [illegible] دارای [illegible]

برده [illegible] خلاصه چهار [illegible] بخرید [illegible] منزل شد [illegible] میان [illegible]

[illegible] است [illegible] قریب [illegible] از [illegible] کرده [illegible] آتش کردیم [illegible]

از خواب [illegible] [illegible] است

چهارشنبه ۲۱ ربیع الاول ۱۳۰۰ از [illegible] به [illegible] شش فرسخ مسافت رود بتال دارد [illegible]

[illegible] راه [illegible] است [illegible] فرسخ از منزل گذشته قریه [illegible] [illegible] میدان [illegible] حصار

[illegible] واقع [illegible] در [illegible] واقع است [illegible] [illegible] صرف [illegible]

[illegible] خوب دارد [illegible] قریب [illegible] دارد [illegible] [illegible]

[illegible] نیست [illegible] دکان [illegible] دارد [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible]

قند و قهوه [illegible] دارد [illegible] آن کاروان [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] بصیرت

[illegible] کردیم [illegible] قدیم [illegible] دارد [illegible] [illegible]

[illegible] خندق [illegible] کرده [illegible]

[illegible] دارد [illegible] قدیم [illegible] [illegible]

[illegible] حاکم [illegible] است [illegible] قدیم [illegible]

[illegible] بزرگ [illegible] کرده بسیار خوب دارد [illegible]

[illegible] آمده است [illegible] قدیم [illegible]

[illegible]
[illegible]
[illegible] فرسخ

[illegible] کرده [illegible] مرحوم میرزا [illegible] سبب [illegible] ساخته است [illegible]

[illegible] است [illegible] [illegible] [illegible] محکمی دارد

[illegible] خوب [illegible] بسیار [illegible] [illegible] آن [illegible] بهتر [illegible]

[illegible] است [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] معروف است

پنجشنبه ۲۲ ربیع الاول ۱۳۰۰ از [illegible] به [illegible] فرسخ مسافت رود بتال دارد [illegible]

[illegible] است [illegible] واقع [illegible] ابتدا [illegible]

[illegible] قریب [illegible] فرسخ [illegible] راه [illegible]

[illegible] ییلاقی [illegible]

[illegible] قلعه [illegible] کرده [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] خلاصه [illegible] فرسخ [illegible] منزل [illegible]

[illegible] میرزا غلام رضا [illegible]

[illegible] مرحوم [illegible] است

[illegible] واقع شد [illegible] کرد [illegible] صرف [illegible]

[illegible] فرسخ [illegible] مسافت کرده [illegible]

[illegible] مرحوم [illegible] مرحوم [illegible] دارد [illegible]

[illegible] است [illegible] قریب [illegible] منزل کردیم [illegible]

[illegible] [illegible] واقع [illegible]

[illegible] منزل [illegible] [illegible] منزل [illegible]

نخواهد گذشت و در وسط ... [illegible] ... است ... رودخانه ... [illegible] ... سرد است و آب
منقول آن ... بطرف جنوب شاهرود ... است و اگر ... [illegible]
مجیب است ... استرآباد ... منزل ... [illegible] ... پنج ... [illegible]
شهری است تقریباً چهار هزار خانوار دارد ... [illegible] ... مستقر
... [illegible] ... دارد ... در وسط بازار ... قریب ... [illegible]
... [illegible] ... است ... [illegible]
... در وسط ... [illegible] ... خوب ... [illegible]
یک ... [illegible] ... شرف ... [illegible] ... میرود ...
منزل ... [illegible]
... منزل ... [illegible]
... [illegible] ... منزل ... [illegible]
... [illegible] ... قسمتی ... [illegible]
... [illegible] ... قسمت دیگر ... خالصه میرود ... [illegible]
در وسط ... [illegible]
... [illegible] ... ربیع الثانی ... [illegible]
... [illegible]

دوشنبه بیست و ششم ربیع الثانی ۱۳۰۰ — از شاهرود ... [illegible] ... فرسخ مسافت
... بشمال شرق دارد ... [illegible] ... شاهرود ... [illegible]
آب ... [illegible] ... خالصه ... [illegible]
شاهرود قریب ... فرسخ ... [illegible] ... واقع است ... [illegible]

یک گنبد ... [illegible] ... در وسط ... منزل ... [illegible] ... قریب ... بود است
... [illegible] ... قریب ... [illegible] ... دارد ... [illegible] ... اگرچه ... [illegible]
... [illegible]

چهارشنبه بیست و هفتم ربیع الثانی ۱۳۰۰ — از ده ملا به شاهرود چهار فرسخ مسافت راه بشمال شرق
دارد ... [illegible] ... قریب ... [illegible]
... [illegible] ... میرود ... [illegible]
... [illegible]
... استرآباد میرود ... [illegible] ... واقع ... [illegible] ... در وسط ... [illegible]
مستقیم میرود ... [illegible]
... [illegible] ... شاهرود ... [illegible]
... [illegible] ... [illegible]
... [illegible] ... [illegible]
... [illegible] ... قلعه ... [illegible]
... [illegible]
... [illegible] ... قلعه ... [illegible]
... [illegible] ... قلعه ... [illegible]
... [illegible] ... بازار ... [illegible]
بازار ... [illegible]
... [illegible] ... بازار ... قریب ... [illegible]
قلعه ... [illegible]

در میان شاهرود و ده ملا ... [illegible] ... منزل ... [illegible] فرسخ

رفته رفته رو بطرف کوه جنوبی آن می گردد حقیقه خیلی بزرگ و یک سلسله ارتفاع کوه و دره محسوب است
و در دامن کوه و اطراف آن منشعب شده بخلاف عمل زراعت داشت فرسخ جلگه زیاد دارد
خلاصه دو فرسخ در دو منزل گذشتیم راه در وسط خرابه ها چیزی از آبادی که در اینجا در خانوار زمین است
و له سراد خرابه آن زیاد است از آن بجهت آنکه بی آب است و جای دیگر که بواسطه بعض
تهاجم ها که زیاد مخوف و محیط بر دره که آن زیاد است مشغول داشت هر یک از آن ها محکم است
بازار سوار بسته و چه جای قلعه از نقطه حمله باشد سه فرسخ در دو منزل عبور کردیم آب انبار
خرابه است ... برای عبور ... ساخته بوده اند و در اینجا بیرون چهار فرسخ در میان قلعه است
در مرحوم میرزا آقا خان صدر اعظم نوری ساخته است و دیگر بواسطه خشکی شن آب آنجا هرزه است
سه فرسخ در اینجا نیز عبور کردیم قراولخانه و چند رباط که در اراضی جایی ساخته اند در میان آن
در سه خانوار است که چند ده در آنجا هستند زیرا که قیمت آب در آنجا هیچ نیست یک فرسخ
از آنجا گذشته وارد میدان شده از آنجا محوطه ای هر دو است و ... دارد که سمت او ... کاروانسرای شاه عباسی دارد و قدیمست در این جهت خراب دارد میدان در و اسب ... سابقه
کرده واقع شده است و اطراف آنجا دیگر را ویرانه است

سه شنبه بیست و هفتم ربیع الاول ۱۲۰ از میان دشت شش فرسخ مسافت راه
بشرق دارد قریب یک فرسخ در درون منتهی کوه و ده آبادی در جنوب میدان گذشتیم و دشت
زیاد سنگلاخ میان دو کوه نشسته بود واقع شده و از آب ... را سبز کرده بودند و در آن نقطه
راه رو بفراز کوه ... ریگ و قهوه رشته که میان در اینجا ... ندیده بودیم افتاده یک
میدان دراز ... گذشته امسال است ... دیگر که در میدان آب ... گذشته
گذشته قلعه ای دیده است و چند خانوار دارد است و در آنجا تا میان دشت تمام راه آب

و بالا سرازیر ها ... راه میگیرد قریب یک فرسخ میان دشت ... چهار فرسخ راه ... است در بالا
اینجا میدان میشود ... راه ... گذشته مخوف تر و مثل آن ... است در بهار ...
و بهار قدم میتوانند برود ... راه ... دیگر ... که بتوانند خلاص شده که
آنکه ... آب ... جمع ... در صورت ... هم ... خود را یا است
... که از ... خیلی ... نیست ... در وسط راه صرف
... و دیگر بواسطه ... کار کاروان ... زمین ... است ...
بعض اهل ... ما ... که ... اگر ... قرار ... میشوند ... دیگر
... آن ... سال ... است ... در آن ... و است ...
... جمعیت ... ... دولت ... از ...
... ... میان دشت ... دو ... جمعیت ... خوش آن ... با
... ... کاروانسرای ... شاه عباس ... جنس ... نظام ...
... نیز حقیقه رباط ... به ... خرابی ... بلکه ... جنوبی ...
ساخته ... سر ... در شرق آن ... رباط ... بواسطه ... آن ...
... است ... در وسط آن ... آب ... آنها ... آب
... رباط ... بطوری ... طرف شرق
رباط نظام الدوله است و طرف غرب رباط شاه عباس و در ... دو رباط ... دیگر
واقع شده است میان دشت ... رباط ... عبور ... از آنجا ...
طهران ... میان دشت ... است و در اینجا ... میرود ... دیگر
... دیگر ... از ... است ...

چهارشنبه بیست و هشتم ربیع الاول ۱۲۰ از میان دشت به عباس آباد شش فرسخ مسافت راه بشرق

دارد یک فرسخ از منزل گذشته راه صاف درشت است پس از آن زمین بعضی تنگه و تپه و ریگ بوم دار
می شود به اینجا هم آن قلعه چالشت خطرناک برای عبور زیاد است و ابداً ابادی ندارد خلاصه سه فرسخ
که از آن تپه و ماهورها زمین گل و سنگلاخ دارد حرکت شده به قلعه الهک تا نزدیک رود رسیدیم
شرفت سر بطلوع بود و قدری حرکت نموده بود رفتیم میان قلعه خانه که از رعایای اینجا و خود
زنش بسیار مردم خوب مردانه بودند اسمش گرد صرف ننه رزم خوطی زیرک صاحب خانه را
اهلی خورد نه نمود چه دختر برای اینها ریختم می خورد در خیال صاحب خانه هم خوب و باز
سینه قدری بود آورد مخصوصاً برای تیغ او قدری خود او داشتم بر و دادم یا از خبر و قت کاه الهک
سه هزار رعیت دارد و ملکی است و وقتی رعیت نیست ولیکن جوان از میرزا احمد
برده است قدری جهات کنند قدری را حفر کرده اند به واسطه عزل ایشان همه کار رو به
خراب است شاه اسمعیل میرزا نیز در اینجا دو طاق ساخته است و دیگر خرابه شده است قسمتی
سر در و چیزی بیش نمی ماند از آن باقی است از الهک تا عباس آباد دو فرسخ است یک فرسخ
آن راه از میان کوه و دره می گذرد و باقی از کوه بیرون آمده می رود که آن نقطه سر حد قلمرو
سبزوار است و قلعه چهار گوشه یک فرسخ و نیم به سمت کوه آنجا الهک حرکت شده به عباس آباد
در دره دامنه های رشته واقع است که قلعه عباس آباد بر روی تپه واقع شده است قریب
به رباط شاه عباس بسیار ساخته است و عجب رباطی است یک قطعه شاه عباس
در اینجا بیرون آورده است هر چند آن معلوم نیست و آب آن از زیر قلعه اقتباس شده
از جدول دو حوض و در میان رباط به طبقه و آنجاها ساخته شده است گذشته از این جزئی
با عمارت سنگ و بنا میرود سنگ عباس آباد هزار و دویست خانوار است در جمع شاه عباس اینها را
از گرجستان کوچانیده و اینجا ساکن نموده است و تمام طایفه از قوم ایلات در نهایت در رنگ
مردم مصاف تخته و خانه و چند تکه قلعت آب دارد قدری زراعت دارد زراعت
زراعتی بهانی جهت ندارند و تنخواه را از جاجرم خریده به اینجا می آورند جهت عادتی که دارند

ذکر می

***

یک فرسخ به ده رود و یک رباط حسب شرایط در آن شاه عالم بنام آن شتر ل بیه و چوب خورد آن را
به خانه استقبال آن گرفته اند شفر

جمعه بیست و نهم ربیع الاول ۱۳۰ از عباس آباد به مزینان معروف شش فرسخ
دیگر است فرسخ مسافت راه سرق دارد و وقتی راه از کنار کویر شده راه میکند یک فرسخ
از منزل گذشته در طرف یسار راه قراولخانه بوده که به جهت محافظت هم ساخت
ساخته بوده دو فرسخ از منزل گذشته از جهار مسروق معروف به میاندشت و برجی که آب
کم داشت دیگر هیچ ندارد است و آب و درد و از کلیه بی آبی میرود یک میدان از محل قرار
گذشته قلعه صدر آباد است که سه هزار رعیت و سرباز دارد از هفتاد تن یک بیت
را داد بعد می گرفته و اینجا که آب است دو آخور دارد و اینجا زیاد است از بعضی داده
سمت شمالی سبزوار هم از قریت بیعت تکیه دو هزار هفتاد تن اینها یک بیست می گیرند که
مسطورست اینها از جمع عسکر دیو آباد است که بودند به پیلی خوار دیگر بر اینها مذکور میدانشند
هر اول دو چه عرض حال آن فقیر خلاف نمود و نمود به مزادو است از جهت قریب یک
ده سوی دو قلعه آن بیایدی قلعه داده بودیم حکم کرده اقتضای یک روز شد خلاصه از اینجا تا مزینان
شش فرسخ است و آب خوراک آن قطعه جای نگاه داشت ندارد و قریب سه فرسخ مزینان
مانده دو سرسبز به کاه آمده است در راه از وسط زراعت اینها میگذرد یک میدان به مزینان
مانده خرابه های آبادی مزینان است حالا قلعه آنجا قریب به رباط شاه عباس است
چهار صد خانوار جمعیت و سیصد نفر سرباز میدهند یک بقعه از گذشته که دارد الحاد
در اینجا همه جا قریب به سر حد شده است

جمعه غره ربیع الثانی ۱۳۰ از مزینان به میامی فرسخ مسافت راه سرق دارد

این راه نیز کویر بی‌آب است چهار فرسخ از منزل گذشته [illegible] به سبزوار [illegible] خانه [illegible]
[illegible] زیاد [illegible] است و از اینجا به هر یک فرسخ است در این حوالی [illegible]
سبزوار قریب یک [illegible] واقع شده [illegible] که [illegible] ریشه است [illegible]
در شمال آن افتاده است در اینجا بنا کرده جناب حاجی میرزا [illegible] [illegible] سبزوار [illegible]
بنا کرده است [illegible] شمال آن [illegible] است [illegible]
در تابستان تمام [illegible] سبزوار [illegible] دارد [illegible] رباط قریب [illegible] دارد
درخت توت زیاد اینجا دارد [illegible] آب آن [illegible]
بالا دست آن [illegible] اینجا [illegible] آب [illegible] [illegible]
[illegible] رباط ساخته شده است [illegible] رباط است [illegible] آب آن [illegible]

شنبه [illegible] ربیع الاول ۱۳۰۰ [illegible] سبزوار است [illegible] مسافت [illegible] دارد [illegible]
این راه کویر بی‌آب است سه فرسخ از منزل گذشته [illegible] است [illegible] واسطه [illegible]
آن [illegible] است [illegible] سه فرسخ [illegible]
گذشته [illegible] فرسخی سبزوار [illegible] است [illegible]
بعض خرابه‌های قدیمه است [illegible] اینجا [illegible] سبزوار
[illegible] بازار [illegible] دارد [illegible] سقف [illegible] است [illegible]
کثیف است [illegible] اینجا [illegible] بدست آورد کاروانسرا [illegible] دارد [illegible]
در بازار [illegible] کاروانسرای کاشی اصفهانی ساخته شده است جناب [illegible] حاجی میرزا [illegible]
در اینجا ساخته‌اند مسجد [illegible] قریب [illegible] کاروانسرا [illegible] در بازار است
دارد [illegible] بازار [illegible] طرف غربی آن [illegible] قدیمه است در اینجا دارد
[illegible] که [illegible] است [illegible] در شمال [illegible] است

[illegible]

در شمال سبزوار
[illegible] نقش [illegible]
[illegible] فرسخ

در [illegible] شهر [illegible] دارد [illegible] دروازهٔ مشهد [illegible] دروازه [illegible] مرحوم [illegible]
در دروازه [illegible] ساخته است [illegible] طرف [illegible] دروازه [illegible] سبزوار [illegible]
[illegible] ساخته است [illegible] مشهد [illegible] رباط [illegible]
[illegible] تعمیر [illegible]
سبزوار [illegible] واقع است [illegible] در شمال [illegible] واقع است
[illegible] کرده [illegible] گذشته [illegible] کرده [illegible]
[illegible] سبزوار [illegible] نموده است سبزوار قریب [illegible]
[illegible] قدمگاه قریب [illegible] واقع است [illegible] امیرزاده [illegible]
میرزا [illegible] محمد تقی میرزا [illegible] خراسان [illegible] است [illegible]

تا قوچان سه منزل است راه سنگلاخ و دامان ... در دره ... [illegible] رشته کوه ... [illegible]
قطع خواهد کرد یکشنبه سیم ربیع الثانی ۱۳۰ به واسطه اینکه ... در منزل ... [illegible]
فرسخ ... و قطعه ... فرسخ است و دیگر ... آب است ... [illegible]
در سبزوار توقف کرده ... [illegible] ... یک ... [illegible]
و محتاج ... یک ... از سبزوار ... [illegible]

دوشنبه چهارم ربیع الثانی ۱۳۰   از سبزوار به زعفرانیه شش فرسخ مسافت رو به مشرق دارد
... [illegible] ... سبزوار در طرف ... راه واقع است
از جمله ... [illegible] ... قریب یک فرسخ بمنزل مانده ...
... [illegible] ... زعفرانیه
... [illegible] ... خانوار رعیت ... [illegible]
... [illegible]
... [illegible] ... زعفرانیه ... رشته کوه سبزوار
واقع است

سه‌شنبه پنجم ربیع الثانی ۱۳۰   از زعفرانیه به ... چهار فرسخ مسافت است ...
رو به مشرق است قریب یک فرسخ از منزل گذشته ... خرابه و آب ...
... قریب یک فرسخ گذشته ... [illegible]
... خانوار رعیت ... [illegible]
... [illegible] ... است ... [illegible]
... [illegible] ... قریب ... فرسخ ... [illegible]

... [illegible] ... سبزوار ... [illegible]
... [illegible] ... سبزوار واقع است ... [illegible]
... [illegible] ... خانوار رعیت ... [illegible]
... [illegible]

چهارشنبه ششم ربیع الثانی ۱۳۰   از ... به ... فرسخ مسافت رو به مشرق دارد
... فرسخ ... [illegible]
... [illegible] ... خانوار ... [illegible]
قریب ... فرسخ ... گذشته ... [illegible]
... [illegible] ... یک فرسخ ... [illegible]
... [illegible] ... قریب یک فرسخ ... [illegible]
... [illegible] ... منزل ... [illegible] ... چهار فرسخ
... [illegible]
... [illegible] ... فرسخ است
... [illegible] ... فرسخ ... است ... [illegible]
... [illegible]
یک قران ... [illegible] ... است

پنجشنبه هفتم ربیع الثانی ۱۳۰ ... [illegible]
... [illegible]
... [illegible]
... [illegible] ... سبزوار

از سبزوار ... منزل است ... فرسخ

... [illegible]

شاهرود واقع شده است دو دروازه دارد یکی جنوبی و یکی شرقی بناهای قدیمی آن بوضع خرابی است بناها
محکم و بدنما است بازارهای وسیع چهار بازار است و در وسط آن بازار میدان [illegible] است
سقف بازارها تیر و تخته و چوب است و بعضی از آن سقف فقط قسمتی از آن بازار [illegible]
سقف آن چند تیر و تخته دارد است یکی از آثار قدیم [illegible] است [illegible] حمام [illegible]
در آب آن [illegible] و در [illegible] به بازار [illegible] دارد [illegible] حمام [illegible]
[illegible] است مسجد جامع [illegible] از آثار قدیمه است تقریباً ایوان آن [illegible]
[illegible] آن [illegible] است [illegible] خراب شده است [illegible] سقف [illegible]
آن قریب [illegible] است [illegible] چند نفر دیگر [illegible] نماز [illegible]
[illegible] است [illegible] مسجد جامع [illegible] تاریخ الدین [illegible]
[illegible] دارد [illegible] از طرف شرقی [illegible] است [illegible] در وسط
مسجد قریب [illegible] مسجد جامع [illegible] از آثار قدیم [illegible] ایوانی دارد
[illegible] عمارات [illegible] آن ایوان [illegible] منقش [illegible]
[illegible] در بازار [illegible] است [illegible] میرزا [illegible] حمام
[illegible] خراب است [illegible] واقع [illegible]
[illegible] است [illegible]
از بعض [illegible] نظر کرده [illegible] خراب [illegible]
[illegible] رفتار [illegible]
بگردد

جمعه [illegible] ربیع الثانی ۱۳۰[illegible] [illegible] فرسخ مسافت رو بمشرق [illegible]
[illegible]

گردد [illegible] آن [illegible] است [illegible] بازار [illegible]
[illegible] سنگ [illegible] دارد [illegible]
[illegible] عرض [illegible]
[illegible] است [illegible]
دارد [illegible] است [illegible] قریب [illegible] فرسخ [illegible]
راه [illegible] درختان [illegible] از طرف [illegible] آن راه
[illegible] است [illegible] مشهد [illegible]
[illegible] را دارد [illegible] است
یک منزل [illegible] راه [illegible] است [illegible] فرسخ مسافت [illegible]
[illegible] است [illegible] حضرت [illegible]
[illegible] بقعه [illegible] کلاه فرنگی [illegible]
[illegible] بقعه [illegible] است [illegible] جنوبی [illegible] واقع
شده است [illegible] جنوبی [illegible] شرقی [illegible] غربی دارد [illegible]
ساخته [illegible] اطراف آن [illegible] است [illegible]
[illegible] فرنگی کار کرده [illegible]
کاشی [illegible] است [illegible] کرده [illegible] است [illegible]
[illegible] ستون است [illegible]
[illegible] چهار طرف آن بقعه [illegible] کلاه فرنگی [illegible] است [illegible]
[illegible] آب [illegible] اطراف [illegible]
[illegible] است [illegible]
[illegible] آب [illegible]

در طرف شرقی آن بقعه کاروانسرا [illegible] است و در طرف جنوب صحن [illegible] سقف آجری زده سفیدکاری کرده اند
حوض بزرگ سنگی [illegible] ساخته اند که آب [illegible] از آن جاری است و عجب آب زلالی
مذکور چشمه [illegible] آب این حوض [illegible] است [illegible] حضرت رضا صلوات الله علیه اشاره
فرموده اند در زمین جوشیده شده است [illegible] چشمه [illegible] یک فرسخ [illegible]
این باغ برده است و مرتبه مرتبه رو بجنوب ساخته اند و بعد [illegible] محوطه باغ می رسد
[illegible] در دو طرف آن درختهای کاج است و تا کنون [illegible] باقی است و [illegible] عدم [illegible]
[illegible] تمام آن خراب [illegible] بیرون محوطه باغ [illegible] خود باقی است
در اطراف محوطه باغ [illegible] با [illegible] ساخته اند [illegible]
بقعه درختهای کاج زیاد کهن است [illegible] در آورده است [illegible]
محوطه خود باغ [illegible] کاج [illegible] درختان دیگر [illegible] باقی است [illegible]
بالا رتبه [illegible] واقع است قلعه خرابه دارد [illegible] است [illegible]
[illegible] آب دارد [illegible] در [illegible] برده [illegible] سالم
[illegible] قرینه [illegible] است [illegible] قلعه [illegible]
[illegible] است [illegible] در آن [illegible] سنگی [illegible] اختیار کرده اند
[illegible] قریب [illegible] خراب است [illegible] منزل [illegible] قلعه
در [illegible] قلعه [illegible] است [illegible] رباط [illegible] دارد
[illegible]

چهارشنبه غره ربیع الثانی ۱۳۰ — از قدمگاه به شریف آباد هفت فرسخ مسافت رو به شرق
شمال دارد راه این [illegible] سنگلاخ و به فراز و نشیب [illegible] است قریب یک فرسخ
از منزل گذشته راه [illegible] اطراف آن همه [illegible] است

[illegible]

می گردد پس از آن رو به شمال [illegible] ده [illegible] کرده [illegible] قدمگاه [illegible] می شود و بعض آن
دو سه فرسخ [illegible] شریف آباد [illegible] چهار فرسخ از منزل گذشته رباط [illegible]
[illegible] قدمگاه [illegible] واقع [illegible] است و بعضی [illegible]
[illegible] می شود [illegible] فرسخ [illegible] گذشته به شریف آباد
[illegible] شریف آباد [illegible] است [illegible]
دارد [illegible] قلعه [illegible] قریب [illegible] است
[illegible] رباط دارد [illegible] مرحوم [illegible] ساخته است [illegible]
[illegible] طرف [illegible] آب آن [illegible] مرحوم [illegible]
[illegible] مشهد [illegible] است [illegible] منزل
[illegible] برف [illegible] فوق [illegible]
[illegible] معروف است [illegible] فرسخ به شریف آباد [illegible]
[illegible] مشهد از طرف [illegible] می شود

پنجشنبه دوم ربیع الثانی ۱۳۰ — از شریف آباد به مشهد مقدس شش فرسخ مسافت راه شمالی
دارد [illegible] فراز و نشیب [illegible] کوه [illegible] مشهد واقع
شده است می گردد راه این سنگلاخ قریب یک میدان از منزل گذشته [illegible]
[illegible] مرحوم [illegible] صاف کرده است [illegible]
[illegible] فرسخ از منزل گذشته در میان [illegible] است [illegible]
[illegible] رباط [illegible] است [illegible] راه [illegible]
[illegible] دارد [illegible] رباط [illegible] طرف شرق [illegible] می شود
[illegible] راه [illegible] است [illegible]

[illegible] منزل است [illegible] فرسخ [illegible] مشهد [illegible] منزل است [illegible] فرسخ [illegible] مشهد [illegible] منزل است [illegible] فرسخ

یک فرسخ دیگر میرود قریب یک فرسخ گذشته دروازه قبله که حده با ارض اقدس را میگویند حوضی است معروف
به حوض حاجی ... بار ... ساخته است یک فرسخ از اینجا گذشته ... است ... مرحوم ...
دیگر فرسخ ... ... زیاد ... قرار ... نمی کنند ... طرق میرسد ... از اینجا ...
مشهد ... میشود ... از اینجا نیز یک فرسخ گذشته به قلعه ... کنار ... آن مرحوم
مرحوم ... میرزا ... مشهد بوده است از اینجا تا شهر یک فرسخ است ... طرف
طرق ... شهر ... است قلعه ارض اقدس ... است ... خوب
دروازه ... خیابان ... ساخته شده ... در وسط ... دروازه
ارض ... مرحوم است اگر ... بوده ... است حرم محترم و صحن جدید
و عتیق ... و ... کاشی ... از ... خوب ... آن ... صحن عتیق
... آن ... است ... مسجد ... در طرف ... صحن
عتیق است ... خوب ... ساخته ... مسجد گوهرشاد
در طرف ... حرم محترم واقع است آن ... خوب ... است طرف صحن
عتیق از طرف شرق ... است ... خیابان ... اتفاق ...
دو ... خیابان ... مستقر ... و ... در ... در ...
خیابان ... خوب ... خیابان ... است ... خیابان است
در طرف شرق صحن عتیق واقع ... است ... از وسط بالا خیابان
... است ... از وسط صحن عتیق گذشته ... خیابان ... شرق گذشته
... صحن جدید طرف ... حرم مبارک ... خیابان واقع است
بازار ارض اقدس ... است ... مردم بسیار ... نظر است
... خوب ... بسیار مختلف ... و ...
... طرف ... شهر ... است ...

دنبال

ورود ... به ... عمارت ... است ... عمارت ...
... رواق ... است ... به ... قنات ...
مسجد ... است ... که در حرم ... مشهد ...
... خلاصه ... عمارت ... منزل کردم

... امیر تیمور گورکان

امیر تیمور گورکان ... در حالت ... نفر همراه ...
... خود سوار کرده ...
... سرگردان ... آن ... نفر ...
... آب ... نفر ... آب ...
... ١٣٠ ... مشهد ... تیمور ...

و ناهار خورده آن بستان را باغ کردم در چهارده ... فرسخی غزل جناب میرزا الله نجف نایب
حسام السلطنه سلطان مراد میرزا رسید جناب میرزا محمدرضا مستشار الملک وزیر وزارت
خراسان و قرائت میرزا محمدرضا مستشار الملک و میرزا محمدرضا پسر میرزا ابراهیم که مشغول هستند گوش
از توابع ... است دیگر ... از ... تاریخ ... سخن ... و کوه ... کرده
... رفته ... کرده

جناب میرزا محمدرضا مستشار الملک

در این چند روزه خوش ... قوام ... میرزا ... ملک الشعرا ... مشغول ... چهارده روزه ... قرص ... کرده

یک شنبه بیست و چهارم ربیع الثانی ۱۳۰۰ در مشهد ... سعد ... جلال الدوله

رو به قوچان حرکت تا ... منزل ... قصه ... زیر ... آب ... جشنید ... بود
و عسکریه ... میدان ... قصه ... داشت و ... دارد
در این منزل ... سقف ... دارد ... اطراف ...
چند ... است ... دیم ... جناب ... میرزا ...
... است ... فرسخ ... مرحوم ... عالم ... خانه
رعیت ... دارد ... چشمه ... مرحوم ... خان ... سالار
برده است ... طرف ... مسجد ... خان ...
نصرة الملک امیر ... است ... طرف ... مشهور
ایلات ... هزار ... شمس ... و ...
این ... هزار ... ایلات ... هزار ...
... است ... است ... است
... است ... است
... است ...
شاه ... قران است ... میخورند
... هزار ... هزار ... هزار
بیست ... هزار ... هزار ... مشغول ... آورده در
... هزار ... هزار ... هزار
... دو ... هزار ... صد ...
صد ... دو ... هستند

شجره مرحوم سردار کل نصرة الملک [illegible]

[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

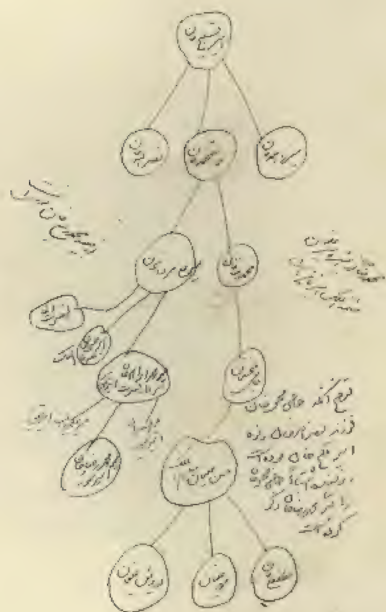

عکس [illegible] سردار کل نصرة الملک [illegible]

در طوایف افغان و هزاره

ابدالی	صدوزه
غلجائی	درانی
بادرانی	بارکزائی
علی‌کزائی	الیکوزائی
نورزائی	[illegible]
کاکر	یوسف‌زائی
الکوزائی	نورزائی

توضیح اینکه جد قبیله افغان است پدر ابدال است و طایفه ابدالی از او است ابدال
چهار پسر داشته است نورزائی علی‌کزائی بارکزائی الکوزائی
سایر طوایف از اولاد او هستند

خلاصه از کاظم آباد تا این قلعه دو فرسخ و از این قلعه تا خان سعید گزارنیک میدان میشود همه جا از دره
دو برج شرف به باغ شرقی آن ترک [illegible] خان سعید شاه خانه دارد در قلعه رفته به
تکیه‌گاه [illegible] کوه سیاه جون همه جا در جنوب و کوه قرابی در شمال است و کار خط
قوس [illegible] رشته کوه و بعد از آن خط جبال که [illegible] و قوچان را قطع کرده است
چنانکه وقت مرور از مشهد جبال که [illegible] به فاصله چهار فرسخ عرض ای [illegible] بود
و بعد رفته رفته این عرض رو به نقصان گذارده [illegible] فرسخ دیگر می‌شود دیده

(۳۰)

دیگر جا از دامنه رشته کوه جنوبی مشهد همان رشته کوه شاه جهان که قسمت جغرافیای آن
[illegible] از جنوب فرخ [illegible] حد خط راست مرزی از عرض قوس که
در دامنه کوه شمالی واقع گردیده است دیده [illegible] در وسط جلگه عبوری شده جز در کاظم آباد
[illegible] زمین دیده نشد و [illegible] میدان فنتیه فرسخ است که در اطراف راه
از جنوب و شمال جفر و آب آن [illegible] دارد واقعه در دامنه کوه شمالی جاری است
بنظر می‌آید در سرچشمه کشف [illegible] چشمه گلاس بود که چشمه [illegible] را رکانی دارد دامنه
کوه شمالی این نقطه را [illegible] در دامنه جنوبی [illegible] واز شمال مشهد گذشته
به سرخس میرود یعنی هریرود در مشرق جاری است [illegible] خواجه ربیع به فاصله دو فرسخ
[illegible] در [illegible] چشمه دارد [illegible] است در تکلات [illegible] مقتدی شود
خواجه ربیع از بناهای [illegible] است [illegible] است [illegible] بصیرت [illegible]
[illegible] و صرف [illegible] آن بقعه و باغ [illegible] نمی‌باشد [illegible]
تا شهر مشهد دو فرسخ است و در جنوب شمالی غربی واقع شده [illegible] و [illegible]
آن بقعه چند حالی واقع است که [illegible] طاق و حوض [illegible] است در جنوب
مشهد خانوادات [illegible] در دامنه کوه واقع گردیده است آن [illegible] خراب [illegible]
[illegible] ایران [illegible] ویران [illegible] اند [illegible]
باز داشت

غزنیه

[illegible] نوشته بود [illegible] کرد [illegible] خراب [illegible]
[illegible] بهشت [illegible]
[illegible] کرد [illegible] جاجم [illegible]

حول جنبر

دوشنبه بیست و نهم ربیع الثانی ۱۳۰۰ از زعفرانیه عسکریه به بیدآباد است فرسخ مسافت
در جانب مغرب واقع راه مسطح و دو راست متصل به مشهد در طرف یمین راه یک میدان
فاصله واقع شده است سه فرسخ از منزل گذشته به رباط شرف رسیدیم راه دو تپه زیاد است قریب
کوه جنوبی و شمالی است دیگر رفتیم ... قلعه رستم به نزدیک ... نواب جعفر قلی میرزا
صرف نهار شد و از آنجا ... جمعی و از آنجا ... در این راه واقع است یک فرسخ
... سه میدان از آنجا گذشته ... رستم به قول قوچان است
قریب سه فرسخ نیز از آنجا عبور کرده به بیدآباد ... راه کال ... است
املاک کیوان ... است رسیدیم ... خانه رعیت دارد ... عزیز علی
میرزا عبدالرحمان ... خان ... میرزا ... امیر الامرا
نصرة الملک ... از طرف قوچان به مشهد ... منزل ... صرف
... به واسطه ... نصرة الملک ... اظهار ... میرزا ...
دارد و نصرة الملک ... است ... ادام ... است

سه‌شنبه بیست و هشتم ربیع الثانی ۱۳۰۰ از بیدآباد به جعفرآباد شش فرسخ مسافت در سمت شمال
دارد و جاده که مسطح و هموار است قریب دو فرسخ دور از منزل به رباط جاده که مرور شد در بعض نقاط
یمین و یسار راه جاده که چند سیاه چادر ... کار ... زعفرانی ... بروند دیگر ...
و حوالی دهات متصله ... آمده جعفر ... دو فرسخ ... راه است ...
در رباط ... قریب ... است ... دو فرسخ مسافت
دارد و جاده ... است ... از آن طرف راه به فاصله دو فرسخ ...

... نوشته ... که ... میرزا عبدالرحیم خان ... میرزا عبدالمجید خان ... ده‌اند و میرزا ... خان ... علی ... خان ... نوشته است

که راه ... معروف به ... در مشهد راه ... سنگلاخ ... طبیعی ... قوچان را ... مشهد اگرچه ... قوچان را ... یک فرسخ ... جعفرآباد رسیدیم ... دارد ... وقت غروب نشستیم ... جرعه ... منزل ... تخفیف کردم ... احوال ... محمدرضا خانی ... میرزا ... خان ... محمد ابراهیم خان در مشهد ... نواب والا ... حکومت ... بهبود خان ... مرحوم ... حضرت ... اقدس ... ذات ... السلطنه ... میرزا شده

چهارشنبه بیست و نهم ربیع الثانی ۱۳۰۰ از جعفرآباد به قوچان چهار فرسخ مسافت در سمت شمال
دارد به فاصله یک میدان از منزل گذشته ... قریب ... کوه شمالی
رستم به ... رستم ... حاصل ... کرده است ... راه
کوه شمالی ... متصله ... کوه ... واقع شده ... قریب دو فرسخ از منزل گذشته قریب راه ... رستم
به قوچان ... یک فرسخ ... صرف نهار کردیم
و از آنجا دو فرسخ ... کرده به قوچان ... رسیدیم قریب
یک میدان ... طرف یمین راه ... رستم ... کلاته
میرزا ... امیر الامرا ... امیرحسین خان ... شجاع الدوله
امیر ... رفته ... کردم ... بیرون آمد

از مشهد
به قوچان چهار منزل است
بیست و سه فرسخ

منزل قزوین بیرون [illegible] با عمارت اوج کردم بود صرف قهوه و قلیان و چای سه ساعت [illegible] طول
مجلس شد [illegible] محمد تقی بیک [illegible] لو نایب ایلخانی پسر بزرگ امیرحسین خان
شجاع الدوله [illegible] سرولایت است [illegible] قوچان [illegible] سرولایت می باشند
دهات خوب [illegible] مخصوصاً [illegible] دارد [illegible] طول
قوچان [illegible] تقریباً [illegible] هزار [illegible] دارد [illegible] امامزاده [illegible] سلطان ابراهیم
پسر امام رضا علیه السلام است [illegible] مسجدی [illegible] دارد [illegible] رنگ [illegible]
[illegible] است [illegible] قلعه آن [illegible] زیاد است [illegible] دارد

[illegible]

و [illegible] هم بوده اند [illegible] ایلات [illegible] خراب و غیره [illegible] است مردم
[illegible] در استعمال مسکرات و قلیان [illegible] می توان گفت [illegible]
[illegible] طبیعت [illegible] فراوان است [illegible]
آن [illegible] است قوچان [illegible] است جنوب آن [illegible] شمال آن کوه [illegible]
سرچشمه [illegible] کوه [illegible] شمال [illegible] واقع است گندم و جو [illegible]
[illegible] است [illegible]
[illegible] است [illegible]
[illegible] است [illegible] ولایت [illegible]
[illegible] جناب شجاع الدوله امیرحسین خان [illegible] زعفران لو [illegible] هزار [illegible] دارد
[illegible]
[illegible]
شجاع الدوله [illegible] ایلخانی [illegible] محمد [illegible] قوچان [illegible] است [illegible]
[illegible] است شجاع الدوله [illegible] زعفران لو است [illegible]
[illegible] هزار [illegible] است

اسامی طوایف زعفران لو

شیخ امرلو	[illegible] لو	باجقان لو	[illegible] لو	[illegible] کانلو	مردکانلو
گیکان لو	[illegible]	کربلو	کیکانلو	میلان لو	پهلوان لو
[illegible] لو	مشکان لو	بادل لو	قاجقان لو	سرمیان لو	زنگان لو
قولان لو	قرنی لو	جابقان لو	ایزل لو	میلان لو	ابیلان لو
[illegible] لو	[illegible] لو	[illegible] لو	[illegible] لو	بازاران لو	مردکانلو

[illegible]

امیر حسین خان [illegible] زعفران [illegible] [illegible] [illegible] معروف [illegible]
[illegible] عجیبی [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
۱۲۳۳
هزار [illegible] [illegible] هزار [illegible] [illegible] [illegible] قریه [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

پنجشنبه [illegible] ۱۳۰ [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] قریب یک فرسخ [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] قریب یک فرسخ [illegible]
[illegible] جعفرآباد [illegible] جعفرآباد [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] جعفرآباد
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] یک فرسخ [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
قریب [illegible] فرسخ [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] قریب [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] فرسخ [illegible]
[illegible] فرسخ [illegible] [illegible] [illegible] یک فرسخ [illegible]
فرسخ [illegible] [illegible]
این زعفران [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] هزار [illegible]
هزار [illegible]

شجره [illegible] [illegible]

صفت امیر حسین خان [illegible]

امیر حسین خان [illegible]

[illegible]

پنجشنبه [illegible] ۱۳ [illegible]

[illegible]

روانی [illegible]

[illegible]

جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

شماره ثبت [illegible]

تاریخ

[illegible]

نسخه در اصل دارای ۱۶ عکس چاپی سنگی [illegible]

[illegible]

[illegible]

در سن ۵۴ سالگی [illegible]

دارای ۱۲ [illegible]

[illegible] ۲۵×۱ [illegible] ورق ۲۱ سطر

جلد تیماج [illegible] ۳۵×۲۲

کنز المسافرین بیان حدود الشمالیة الخراسان

محمد علی (منتخب الملک)

~~۱۳۲۵ هجری قمری~~

۱۶۷۴

صفحات امیر حسین تاریخ المرویه

ده بزرگی است جمعیت خانوار زیاد دارد رعیت آنجا هم زیاد مسجد و حمام هم دارد و آب
سرچشمه خیلی روی پاره ریک سنگ است بنای گنبد بزرگی در وسط ده واقع است از ماچیه
گذارده اند و عقد الزام محکمی است و اطراف سراب است از قوچان تا ... میانی
ولایت معروف ... تا ... فرسخ ... منزل ... است بعین ولایت ...

جمعه ششم جمادی الاولی ۱۳۰ — از ... تا ... فرسخ ... مسافت ... دارد
اگر چه منزل ... وقت ... است ... شش فرسخ است ... دیگر
هنگام راه ... است ... راه ... گرفته ... رسیدن ... تنها ...
... منزل کردیم ... راه ... است ... دارد ... قریب
و اتصال ... رشته کوه ... شمال قوچان ... تپه بزرگ ... سنگلاخ
نیست ... سادات ... می تواند ... است ... چند
قریب ... فرسخ ... دره ... کوه ... قضیه ... کرده
عبور کرده راه ... کوه ... ده ... نشان می دهد
افتاده ... خود ... است ... از حصار
نیست ... خانوار رعیت دارد ... گیلان ... می گویند گیلان ... غیره
ییلاق خوب ... است ... واقع ... واقع شده اند ... آباد
سیلان ... قوچان است ... جنوب ... کوه واقع است
... راه ... فرسخ ... نیست ... غیره ...
قریب یک فرسخ ... گذشتیم ... طرف ... راه ... است ... مشهد ...
و سلطان ... علیه السلام ... خانوار ... است ... خوب ...
نشسته اند ... است ... بزرگ است ... می گوید ... قلعه ...

... قریب ... است ... است ... قریب یک فرسخ
... تمام راه ... کرده ... طرف ... راه ... رسیدیم ... است ... آباد
از قبیل ... رعیت ... خانوار رعیت دارد ... شیروان ...
اینجا هم جزو ... ولایت محسوب می شود

شنبه هفتم جمادی الاولی ۱۳۰ — از ... تا ... شیروان ... فرسخ ... کرده ... سه ...
... صبح ... شیروان ... کرده ... شب ... رفت ...
... گرفت ... است ... راه ... آن ...
... رفت ... است ... نیم ... بود ...
... شیروان ... خلاصه ... تا ... شیروان ... فرسخ ... مسافت ... دارد ...
... است ... شیروان است ... راه ...
... سنگلاخ ... قریب یک فرسخ ... منزل گذشتیم ... طرف ... راه ...
... خانوار دارد ... است ... کردیم ...
حرکت ... طرف ... شیروان رسیدیم ... خانوار
رعیت دارد ... واقع شده است ... محکم است ... است ...
... قریب ... می شود ... طرف ... می رود ... خانی ...
... است ... واسطه قریب ... دیگر ...
می گویند ... است ... رفت ... قریب
... منزل ... کرد ... حضرت ...
... الله ... حق ...
... خواهد کرد ... می گفت ... شیروان ...

عکس [illegible] محمد تقی ... [illegible]

سه دانگ [illegible] هزار ... است [illegible] که [illegible] ... [illegible]
[illegible] ... [illegible] آن که [illegible] است ... [illegible]
[illegible] سلطان رضا ... برادر امام رضا علیه السلام است ... [illegible] است باغ [illegible]
[illegible] ... [illegible]
[illegible] ... [illegible] فرح [illegible] ... [illegible]
[illegible] ... [illegible] آب [illegible] ... [illegible]
[illegible] ... جهت سفر به [illegible] ... آب از

امامزاده
سلطان [illegible]
برادر امام رضا علیه‌السلام

[illegible] ... [illegible] است [illegible] ... [illegible]
[illegible] ... [illegible] است [illegible] ... [illegible]
[illegible] ... [illegible]

از [illegible] تا [illegible] منزل [illegible] فرسخ است

یک‌شنبه [illegible] جمادی الاولی ۱۳۰۰ از [illegible] به [illegible] چهار فرسخ مسافت [illegible] است [illegible]
[illegible] ... [illegible]
[illegible] ... [illegible]
[illegible] ... [illegible] فرسخ [illegible] ... [illegible]
[illegible] ... [illegible]
[illegible] ... [illegible] معدن [illegible] ... [illegible]
[illegible] ... [illegible] فرسخ [illegible] ... [illegible]
[illegible] ... [illegible] فرسخی [illegible] ... [illegible]
[illegible] ... [illegible]
[illegible] ... [illegible] فرسخی [illegible] ... [illegible]
[illegible] ... [illegible] محمد [illegible] ... [illegible]
[illegible] ... [illegible]
[illegible] ... میرزا [illegible] ... [illegible]
[illegible] ... [illegible]
[illegible] ... [illegible] میرزا [illegible] ... [illegible]
[illegible] ... [illegible]
[illegible] ... [illegible] شام خورده [illegible]

جز بسیار ضعیف است [illegible]

جغرافیای جرمقان و سملقان

جرمقان [illegible] مقر حکومت این نقطه است [illegible] [illegible]

[illegible]

مساحت اراضی [illegible] شادلو

اگر چه [illegible] [illegible] زعفرانلو [illegible]

[illegible] [illegible]

انشعاب [illegible] شادلو با جعفرآباد

[illegible] شادلو [illegible] زعفرانلو [illegible]

علت نفاق با زعفرانلو شادلو

[illegible] [illegible] [illegible]

در جنگ [illegible] بالجمله [illegible] ۱۲۶۶ [illegible] بیع الدوله [illegible] طهران [illegible]

فوراً [illegible] آمده [illegible] نموده [illegible] خزائن خراسان [illegible] الرحیم [illegible]

در [illegible] السلطنه [illegible] چون [illegible] نموده خراسان [illegible]

منتشر داشت و [illegible] جعفر قلیخان را [illegible] نموده [illegible]

در [illegible] علامت [illegible] است

امثال ترکی در زبان عمومی

[illegible] عبدالله [illegible] عالی [illegible]

امثال ترکی [illegible] معنی [illegible] است [illegible] امثال [illegible]

[illegible]

[illegible]

میرزا ابوالقاسم قائم مقام فراهانی در جنگ با دولت روس ساخته و در جواب [illegible] کرده

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

ابیات [illegible] زعفران [illegible]

[illegible] ترکی [illegible] است [illegible]

[illegible] است [illegible]

معروف [illegible] ایران [illegible]

[illegible] خلیفه [illegible] است [illegible] خلیفه [illegible]

[illegible]

[illegible] اگر چه [illegible]

[illegible] خلیفه [illegible] است [illegible]

[illegible] خلیفه [illegible] است [illegible]

[illegible] خلیفه [illegible] است [illegible]

[illegible] خان بیع الدوله [illegible] زعفران [illegible]

[illegible] معروف [illegible] خلیفه [illegible]

[illegible] عراق [illegible]

[illegible] خلیفه [illegible] است [illegible] خلیفه [illegible] گفتم [illegible]

در خراسان [illegible] جواب [illegible] گفت [illegible] خراسان [illegible]

[illegible] کلیم [illegible]

[illegible] خلیفه آن است [illegible]

[illegible] خلیفه [illegible]

[illegible] است [illegible]

[illegible] است [illegible] مرحوم [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] است [illegible]

اسامی قریه و طوایف [illegible] ولر

قیجان لر	قان باقر	جان باق لر	قمران لر	سطران لر	کیجان لر
دیلان لر	برغان لر	گیگان لر	خضران لر	کرکان لر	عرب
بهلان لر	اوتان لر	ارابا	ازلر	شیخ کانی لر	رطب لر
میران لر	قره تصرولر	درغان لر	ایزل لر	غوبان لر	کوران لر
قره داغ	زرک کارلر	خلیلی	برغایرس	سرکانی لر	قوردانی لر
وجیدلر	قان کانلر	ملاس	بریان لر		

اسامی قوارشت ولر

۱ سیب	۲ قیج قلعه	۳ بند بیمور	۴ قره تصرولر	۵ حصار جوادب	۶ حصار اوتجن
۷ قارلق	۸ زکمان	۹ اق تپه	۱۰ عبدل آباد	۱۱ ترس	۱۲ نجف آباد
۱۳ قوردان لر	۱۴ اوزان کلی	۱۵ خطاب	۱۶ بیغ	۱۷ خامی	۱۸ ابهری
۱۹ قره لر	۲۰ قزلقان	۲۱ ناوه	۲۲ قلعه جق	۲۳ قلعه کمر	۲۴ شاه آباد [illegible]
۲۵ سارک لر	۲۶ [illegible]	۲۷ قلعه قلندربیگ	۲۸ قلعه باق	۲۹ کلاته [illegible]	۳۰ شیخ آباد
۳۱ باغ حق					

دهات [illegible] جهت شمالی

۱ کلاتی	۲ قلعه استاد	۳ قلعه خرجه [illegible]	۴ آق چه	۵ چیرچ	۶ [illegible] آباد
۷ بازاره	۸ محمد آباد	۹ تکان دره	۱۰ اشجانی	۱۱ کلاتر	۱۲ حسن کاو
۱۳ قلعه جبر	۱۴ چشمه کاو	۱۵ بش قلعه	۱۶ [illegible]	۱۷ ایکی دان لر	۱۸ باغ [illegible]
۱۹ مشهد [illegible]	۲۰ مرزآباد	۲۱ [illegible]	۲۲ [illegible]	۲۳ [illegible]	۲۴ [illegible]

دهات [illegible] جهت غربی

۱ دربند	۲ کرک	۳ بیاور	۴ اوتمانه	۵ قلعه قاجس	۶ قلعه [illegible]
۷ قره مسیح	۸ سرقه	۹ شاه آباد	۱۰ منصور آباد	۱۱ سیاه تک	۱۲ [illegible]
۱۳ کلک نیاره	۱۴ تلو	۱۵ قلعه خان	۱۶ وسی	۱۷ شوراباد	۱۸ زرور
۱۹ ده کش	۲۰ جنیزک	۲۱ باش کلاته	۲۲ ایکی [illegible]	۲۳ رباط عشق	۲۴ رباط [illegible]
۲۵ زرده کوه	۲۶ اسپه خره	۲۷ باغ [illegible]	۲۸ ایکی [illegible]	۲۹ اسنند	۳۰ [illegible]

ایضا دهات جهت غربی واقع [illegible]

۱ سیم جم	۲ کلاه دره	۳ نوده	۴ ده کلان	۵ قلعه استاد	۶ کاستان [illegible]
۷ بدسان لر	۸ قره بس	۹ نوداد سلاخ	۱۰ قره [illegible]	۱۱ خان چوخ	۱۲ [illegible]
۱۳ خندق لر	۱۴ سرکاریز	۱۵ [illegible]	۱۶ اق قلعه	۱۷ تلو	۱۸ برزان لر
۱۹ اق تپه	۲۰ بیش	۲۱ [illegible]			

دهات جنوبی [illegible]

۱ حصار	۲ خالش	۳ [illegible]	۴ قلعه [illegible]	۵ اغوزرودخانی	۶ [illegible]
۷ کیجان لر	۸ سطران لر	۹ اورک [illegible]	۱۰ قلعه [illegible]	۱۱ ایمران لر	۱۲ [illegible]
۱۳ [illegible] قلعه	۱۴ ترکی آباد	۱۵ [illegible]	۱۶ حرجه	۱۷ [illegible]	۱۸ قره باغ
۱۹ قیدان لر	۲۰ [illegible]	۲۱ [illegible]	۲۲ [illegible]	۲۳ حصار	۲۴ [illegible]
۲۵ [illegible]	۲۶ [illegible]	۲۷ امام [illegible]	۲۸ [illegible]	۲۹ [illegible]	۳۰ [illegible]
۳۱ [illegible]	۳۲ [illegible]	۳۳ [illegible]	۳۴ [illegible]	۳۵ [illegible]	۳۶ [illegible]
۳۷ [illegible]					

صفات میرزا محمدخان سهام الدوله

[illegible] ۱۲۴۷ [illegible]

[illegible]

عدد

[illegible]

سهام الدوله [illegible]

[illegible]

[illegible]

شجره میرزا محمدخان سهام الدوله

[illegible]

نصرة الله میرپنج والد درویش خان امان بیگ از طایفه سرداران قرخلو گیلانی سلمه

عکس سلیمان میرزا [illegible]

این جوان [illegible] بجز [illegible] اسم [illegible] داشت [illegible] میکرد چون [illegible]
[illegible]
[illegible] حکومت [illegible]
[illegible]
[illegible] ۱۳۱۴ [illegible]
[illegible]
[illegible]

عکس عزیزالسلطان در دوره سال ... [illegible]

عکس حبیب الله خان میرزا حسن چهارده ساله [illegible]

ترکمان [illegible]	نجفی [illegible] خان [illegible] گرد [illegible]	مصطفی [illegible] در [illegible] مشهد [illegible]
[illegible] دختر میرزا [illegible]	[illegible] گرد [illegible] قلعه [illegible] بجنورد	[illegible] کرد

بتاریخ [illegible] ایران [illegible] محرم ۱۳۰۰ [illegible] ایران [illegible]
سرحدداران خراسان [illegible] انقلاب [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
دولت روس [illegible]
[illegible]
[illegible] ۱۳۰۱ [illegible] سلطان [illegible]
پسر محمدخان [illegible] محمدخان [illegible]

عکس پسر محمدخان [illegible]

این منزل [illegible] حرکت [illegible] صرف کرده [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] منزل [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
دارد و آب فراوان [illegible] کرمان [illegible] دارد

بقعه ام ربیع الثانی ۱۳۰۱ از کرمان حرکت کرده به قصبه [illegible]

قریب صد قدم و از منزل گذشتیم از پل چوبی بلندی رد شدیم که از میان قصبه می‌گذرد مردم آنجا جمعیت زیاد
از کوه‌های این رود است و آب فیلمان [illegible] شیروان قوچان ... که از روی جاده
گذشته رو به مغرب می‌رود و این از آنجا است که جبال و طول [illegible] و ماداوامی دیگر نیز
از نیمه مرتبه ... رسیدن بالای مظلمه کوکان در آنجا مرسوم بارک می‌شود نیم فرسخ
از منزل گذشته چند خانوار قریب به چشمه مرسوم چشمه گرم بود از آنجا راه به دره که تا لا
گرمان افتاده قریب یک فرسخ راه در بعض فراز و نشیبها دره‌ها طولانی می‌گذرد سه ساعت
به شیخ خطاب می‌رسد شیخ خطاب چند خانوار رعیت دارد و چه تحقیق شد قوچان است
محکمه بسیار خرابی است و حکم دارد که اگر ده نفر تفنگچی باشد ده هزار نفر جمعیت را امان نمی‌شود
در آنجا صرف نهار شد دارند از آنجا گذشتیم راه رو به فراز که در قبلی محل زیارت است
و می‌ ... شیخ خطاب است که گردو و بعد دفعه رو به نشیب تند می‌گذرد دارد چشمه
سرد زیاد و چشمه دره در دست نگران می‌شود این راه جز خاک بگذرد و تومان است چشمه
از دره دیگر به سمت جنوب به جرگلان رو به شمال گذشته که تمام از آنجا راه زیر سرد
مرشکان است و از صورت ... جمع بودیم این جرگه و کوهها جنوب و شمال آن
قریب به راه ابدا آب ندارد و چهار فرسخ مسافت دارد در فراز که تمام جرگه گیلان
و مرسوم به شیرکان است قریب دو فرسخ راه رو به مشرق شمال در فراز و نشیب تند می‌گذرد
به قلعه ... و در آنجا خانوار رعیت دارد می‌رسید در آنجا منزل کردیم

پنجشنبه پنجم ربیع‌الاول ۱۳۱۱ — از قلعه ... تا ... قوچان است به
چهار فرسخ مسافت رو به شمال دارد راه آن غالبا به جلگه و جوی است که به سمت مغرب و مشرق
ایجاد می‌کرد در بعضی جاها طبقه ... تا چهار محله تنگی دارد است قریب
یک میدان که از منزل گذشتیم قلعه مرسوم به ... در طرف یمین راه بود قریب میدان

و از دره رسیده عبور کردیم در طرف یسار قریب به ... شرقی و مرسوم ... ... قریب
دو فرسخ و از منزل عبور شد قلعه چشمه در طرف یمین ... واقع است که از نیم فرسخ در آنجا
آبادی و مسکن ... قلعه ... یک دفعه آنها آتش زده و تمام آن ...
قریب شصت خانوار رعیت دارد آب آنجا ... رو به شمال مغرب ... رودخانه
و شیب ... که از میان ... رود ... می‌گذرد و بسیار تنگ و طولانی بود
می‌شود و راه و راه ... قریب ... فرسخ ... که حرکت کرده و ... مرسوم به ...
به منزل رسیده ... حاج محمد ... به هشتم منزل
کردیم تمام ... خانوار رعیت ... رباط ... قلعه است و ... خانوار دارد

به عرب — طایفه ترک

و متصل است ... خانوار ... قلعه ... قلعه ... است
... آنجا ... این قریب ... که ... است
... آن ... خندق ... به جنوب به شمال
افتاده ... آب ... آب ... می‌رود
تا ... خانوار ... دارند طایفه ... چهار تیره ... هشتم

به نقار — خرجه — عرب بارلی — عرب قره‌چالی — ترک

دوشنبه نهم ربیع‌الاول ۱۳۱۱ — ... رباط ... چهار فرسخ مسافت رو به مشرق شمال دارد
ابتدای ... رباط ... خندق ... قلعه ... واقع است
... میدان ... راه ... که ... می‌گذرد ... کرد ... به
رسیدیم از آنجا راه رو به نشیب ... تند ... می‌شود ... یک فرسخ مسافت
آن است ... که ... درخت ... دارد ... درخت ... است ...

از ... چهار منزل ... دو فرسخ ... بیست فرسخ

چون سابق شعله دارد و آتش ندارد [illegible] است خاصه در زمستان [illegible]

[illegible] به آن رسیدم [illegible] شمال [illegible] آب [illegible] کرده [illegible]

[illegible] قریب [illegible] فرسخ [illegible] آب [illegible] شمالی کرده [illegible]

[illegible] فرسخ [illegible] حرکت کرده [illegible] آب [illegible] عرض آن [illegible]

آب [illegible] است یک فرسخ [illegible] است [illegible] دارد

قلعه [illegible] است [illegible] درمیان [illegible] چند [illegible]

[illegible] چون [illegible] طرف [illegible] نوشته [illegible]

قریب [illegible] درمیان باغ [illegible]

[illegible] بود [illegible] جواب [illegible]

[illegible] کرده [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] آب دارد [illegible] فرسخ [illegible]

[illegible] واقع است [illegible]

[illegible] آب [illegible] شمالی [illegible]

[illegible] رفته [illegible] شمال [illegible] واقع است [illegible]

[illegible] فرسخ است [illegible] آب [illegible]

شمالی کرده [illegible] واقع است [illegible]

کرده است [illegible] صادق [illegible]

[illegible] حافظ [illegible]

[illegible]

مراجعت کردم [illegible] صادق [illegible]

[illegible] بجنورد [illegible] صادق [illegible] ۱۳۱ [illegible]

[illegible] دولت [illegible] ایران

[illegible]

[illegible] طایفه [illegible] قرآن طایفه [illegible]

[illegible] طایفه [illegible] است [illegible]

[illegible] بجنورد [illegible]

[illegible]

[illegible] جعفر [illegible]

[illegible]

[illegible] جعفر [illegible]

شعبان المعظم [illegible] ۱۳۳ [illegible] جعفر [illegible]

[illegible] جمادی الاولی ۱۳۱ [illegible] بجنورد [illegible] فرسخ [illegible] دارد

[illegible] فرسخ [illegible] بجنورد [illegible]

[illegible] فرسخ است [illegible]

[illegible]

[illegible] واقع است

[illegible] فرسخ [illegible]

[illegible]

به خندق که دور قلعه است دیدم قدری سوار به سرکار فرستاده شود قریب نیم فرسخ با دو دسته شمال دره فرو رفته گذشتیم دوباره
در بین راه بلوک نیم فرسخ نیز راه ما بعد دره فرو رفته و سمت راست است حرکت شد به مهران رسیدیم
در مقابل زمین ده مهران رو بجنوب دره دسته شمال اینده دهات است سوار سه فرسخ به جلو ده ان نیز بقدر
زمین ده هزار دارد مهران لو بنا هزار رعیت دارد دو سیاه دارد در پشت ده دو
اینها سهام الدوله با تفنگ دارد است رو خیر است که و حصار ان را با ماده سوار خود برده باغات
انگور زیاد دارد تخمین یک صد و سی خانوار رعیت است جیبان امیر حیدر قلی خان سهام الدوله
برده است که حالا اینجا است

چهارشنبه چهارم جمادی الاولی ۱۳۱ از مهران تا قلعه خان شش فرسخ مسافت راه مغرب و جنوب
بطور اعوجاج ابتدا از منزل حرکت کردیم راه رو به فراز تپه و نشیب کوه که همه سنگلاخ
محسوب است گذشته و همه جا از فراز و نشیب بعض تپه های حاصل و دره سرازیر است نزدیک چشمه
به اسطلاح آن تپه سفرتی میدان عیش قریب دو فرسخ و نیم باران رفته رفته سر نشیب میشود که
در ابتدای جلگه تقی قریب به چمن راه دست راست سوار و در شمال ده مزرعه در جنوب
راه جلگه تقی ان به هم نزدیک در بند است نیم فرسخ در انجا گذشتیم ده سوار هم گذشتیم
از تنگ تقی و ابتدای جلگه مزرعه است در طرف یمین قریب به راه جلگه دارد اینجا نیز
یک فرسخ و نیم حرکت کردیم و همه جا از وسط جلگه تقی می گذرد در بیرون ده سوار
با تفنگ صرف شده پیش خیمه زده بودیم آنجا آمده ورود کردیم که خیمه قیمت است
و قلعه خان بطرف جنوب قبله کردیم طرف شرق این جلگه در دو دسته راست سوار
به جاده مکی حالا قلعه ان است دماغ پنج برج است یکصد خانوار دارد سه کوه ان چشمه
رعیت دیگر ایلات بسیار است چهار صد خانوار است به او تعلق دارد و مزرعه خود رعیت است
دیگر حالا پنج برج انجا همه ده دیگر است بقدر آب زمین دارد حالا ایل شاه آورده آمده

چهار سو و ...ی رعیت است از آن جمله اسبی است یکصد برج از حسینقلی خان سرکرده رعیت
و قنات را نقدی دارد تخمینا اینجا مهر ولایت نخجیر سرم بود اراضی سهام الدوله
ششصد خانوار بود اینها را سیر رو حاصل ایشان دارد و سی تا به تصرف دارد قلعه خان و بلوک
جلگه حرکت کردیم دو فرسخ بطرف جنوب دو فرسخ به باغ دلیر را گذشتیم در اینجا تپه است
دیگر نیز چشمه سرچشمه است و فرسنگ ان بوده است خالصه سی برج نیم فرسخ در آنجا گذشتیم و قلعه خان رسیدیم
دارد و چشمه که شاه زاده برادر ان جلگه ناحیه ان خیلی بزرگ است و آب دارد
بسیار است دارد اینها باغات خوب دارد ییلاق گرم سیری سه تخم میشود شمس دو هزار
خیر دارد قلعه خان بنا هزار رعیت دارد و قریب یک سنگ آب قلعه بسیار بزرگ دارد و
در فراز تپه است سهام الدوله طاق در میان ان ساخته اند و دیگر بیست نفر از آن در اطراف قلعه
دو دسته سیاه از سنگ دارد که شمال این جلگه سوار به جنگل است در جنوب آن سوار به باغ

پنجشنبه پنجم جمادی الاولی ۱۳۱ از قلعه خان به باغ نکاه پنج فرسخ مسافت راه مغرب و جنوب ابتدا
راه از جلگه تقی ان رو بجنوب می گذرد در پیش راه دو فرسخ سوار به حیدرآباد مرحوم حیدر قلی خان سهام الدوله
آباد کرده بود یکصد خانوار داشته و حالا که به تصرف ایلات اینجا است خراب دیده شد اینجا سکنه ندارد
در پشت آن خود به عرض مراد تپه خالی آباد کرده اند و آمده اند که ان قلعه را آباد کرده بوده اند اینجا از آب
خلاص کرده و قلعه را اطراف قریب نیم فرسخ حرکت کردیم راه به قدری در کش و کوه
جنوب قلعه خان است افتاده در طرف شرق این دره دست راست سوار به دره کش دو دسته
ان را بطلا چمن تنگه به جلگه تقی ان داخل شد به قلعه خانی وارد شد میرود قریب دو فرسخ
و یک تنگه فراز حرکت کردیم راه با اسطلاح تنگ چمن تا روی مغرب می افتد قلعه سوار به جلگه
در طرف یسار راه بالای تپه مرتفعی است که ان را زیر کرده اند خانه ریخته رعیت اینجا ایلات
سابقه بقدر دو برج آب داشته حالا وقت مرده آب چشمه اش بسیار کم بود با جلگه قریب

[illegible] فرسخ [illegible] حرکت [illegible] از طرف [illegible]

قریب یک فرسخ [illegible]

[illegible]

[illegible] طبیعت

[illegible]

[illegible] حرکت کرده [illegible] بمنزل رسیدیم [illegible]

[illegible]

[illegible] حضرت [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] واقع شده است

چهارشنبه ششم جمادی الاولی ۱۳۲۱   در پیش کلاته [illegible] هفت فرسخ مسافت [illegible]

[illegible] از وسط جنگل [illegible]

[illegible] طرف یمین [illegible] قریب [illegible] فرسخ [illegible] منزل [illegible]

[illegible] واقع شده است [illegible]

یک فرسخ [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] قریب سه فرسخ [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] نیست

پنجشنبه هفتم جمادی الاولی ۱۳۲۱   از چشمه [illegible]

هشت فرسخ مسافت [illegible]

قریب یک [illegible] طبیعت آب چشمه [illegible]

[illegible]

[illegible]

بسیار [illegible] است سطح زمین آن [illegible] گلها و چمن را [illegible] قره ول خانه است
خیلی [illegible] است [illegible] اطراف آن [illegible] است خلاصه قریب [illegible] فرسخ [illegible] منزل
حرکت کردم [illegible] راه [illegible]
[illegible] قره ول [illegible]
[illegible] حرکت کردم یک فرسخ از منزل گذشته در طرف [illegible] راه [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] گرگان [illegible] خلاصه
سه فرسخ [illegible] حرکت کرده [illegible]
یک فرسخ [illegible] رسیدم [illegible] فرسخ طی مسافت
کرده بمنزل رسیدم [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] منزل [illegible]

سه‌شنبه هشتم جمادی الاولی [illegible] از [illegible] هشت فرسخ مسافت [illegible]
جنوب [illegible] یک فرسخ [illegible] از منزل گذشتیم قریب [illegible]
از طرف [illegible] قریب صد خانوار [illegible]
صد [illegible] در جنوب [illegible]
[illegible] از چوب خانه ساخته [illegible]

[illegible]

[illegible] گرگان [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] دولت ایران است [illegible]
یاد دارند در گرگان تخم [illegible] است

جغرافی جرجان

بر ارباب علم و بصیرت [illegible] مخفی نیست [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] گرگان و طبرستان [illegible] گرگان [illegible] فرسخ

[illegible]

مساحت اراضی جرجان

طول ... [illegible] ... عرض ... [illegible] ... فرسخ

[illegible]

[illegible]

[illegible]

۱							
ترکمانان جرجانی دو تیره است ...							
...				...			
عرب	قره	قوچی	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	بش ...
جعفر	اوتای			قره	...		

[illegible]

[illegible]

۱ ... لو	۲ اق ...	۳ قره ...	۴ ...	۵ ...	۶ عرب ...
۷ ...	۸ ...	۹ جان ...	۱۰ ...	۱۱ ...	۱۲ قوره ...
۱۳ ...	۱۴ ... لو	۱۵ ...	۱۶ اق ...	۱۷ ...	۱۸ ...
۱۹ ...	۲۰ ...	۲۱ ...	۲۲ ...	۲۳ ...	۲۴ اق ...
۲۵ قزل ...	۲۶ ...	۲۷ اق	۲۸ ...	۲۹ ...	۳۰ ...
۳۱ عرب	۳۲ ... لو	۳۳ ...	۳۴ ...		

۲ ... قزلباش

۱ ...	۲ ...	۳ ...	۴ ...	۵ ...	۶ ...
۷ ...					

۳ ... ورش

۱ ...	۲ ...	۳ ... لو	۴ عرب	۵ ...	۶ ...
۷ ...	۸ ...				

۴ ...

۱ ... لو	۲ ...	۳ ...	۴ ...	۵ ...	۶ ...
۷ ...	۸ ...	۹ ...	۱۰ ...	۱۱ ...	۱۲ ...

۵ قرق

۱ قره ...	۲ ...	۳ ...	۴ قره ...	۵ ...	۶ ...

۱ [illegible] — ۸ [illegible] — ۹ [illegible] — ۱۰ [illegible] — ۱۱ [illegible]

۷ [illegible]

۱ [illegible] — ۲ [illegible] — ۳ آق [illegible] — ۴ قره [illegible] — ۵ [illegible] — ۶ [illegible]

۷ [illegible] — ۸ [illegible] — ۹ [illegible] — ۱۰ [illegible] — ۱۱ [illegible]

۸ [illegible]

۱ [illegible] — ۲ آق [illegible] — ۳ [illegible] — ۴ [illegible]

۹ [illegible]

۱ [illegible] — ۲ [illegible]

[illegible]

۱ [illegible] — ۲ [illegible] — ۳ [illegible]

[illegible]

[illegible] خواجه [illegible] هستند [illegible]

عدد [illegible]

[illegible] است

[illegible]

بیوت قره‌چرخا

بیوت [illegible] است [illegible] است [illegible]

[illegible] است [illegible] قره‌چرخا [illegible] است [illegible]

[illegible] معروف است [illegible] تقریباً [illegible] بیوت

ایران [illegible] ده هزار [illegible]

[illegible] هستند [illegible]

[illegible]

۱ [illegible] — ۲ آق [illegible] — ۳ [illegible] — ۴ [illegible] — ۵ [illegible] — ۶ [illegible]

۷ [illegible] — ۸ [illegible] — ۹ [illegible]

[illegible]

۱ جعفر [illegible] — ۲ [illegible] — ۳ [illegible] — ۴ [illegible] — ۵ [illegible]

قراق [illegible] هستند [illegible] بیوت

[illegible] بیوت

[illegible] هستند

[illegible] بیوت [illegible] هزار [illegible]

[illegible]

[illegible]

شجره دودمان ترکستانیه

[illegible]

[illegible]

[illegible] دولت [illegible] کرده بودم

[illegible] میرزا [illegible]

[illegible] نرفته [illegible]

[illegible] آورده در این ترتیب [illegible] خبر [illegible] است

جهات ممالک چین

چین ممالک جنوبی آن تبت است و ممالک شمالی آن [illegible]

ممالک مغولستان است [illegible]

[illegible] بست [illegible]

[illegible] فرقه

در طرف [illegible] گذشته [illegible] فرقه بطرف [illegible]

[illegible] مغولی

[illegible]

و کمش به ترکمان [illegible] بر [illegible] جعفر [illegible] که باشد در دار الخلافه [illegible] از محل [illegible]

حسینی و [illegible]	کوی	نیم	ترکمه

ترکمان [illegible] شعبان [illegible] به [illegible] [illegible] خراب [illegible]
[illegible] است

تلگراف [illegible] خارجه

سعدالسلطان کارگزار خارجه جناب ناظم الملک برای [illegible] دیگر رفته به طهران [illegible] به طهران [illegible] عزیمت کرده [illegible] ناظم الملک به [illegible] وقت مشغول [illegible] کارگزاری [illegible] تا ناظم الملک مراجعت [illegible] و [illegible] به عرض [illegible] [illegible] ۱۸ ذیحجه ۱۳۲۱ [illegible]

از [illegible] حرکت کردم [illegible] محرم الحرام ۱۳۲۲ [illegible] جناب [illegible] ناظم الملک [illegible] یک [illegible] استقبال [illegible] کفالت امر کارگزاری [illegible] خدمات [illegible] دولت کردم خلاصه آن [illegible] کارگزاری [illegible] ۱۳۲۳ [illegible] ۱۳۲۲ [illegible] شعبان المعظم [illegible] دولت [illegible]

اسامی قلعجات [illegible]

۱	۲	۳	۴
[illegible] تیره [illegible] [illegible]	[illegible] [illegible]	قلعه [illegible] [illegible] [illegible]	قلعه [illegible] [illegible] [illegible]

۵	۶	۷	۸
قلعه میراوه تیره [illegible] [illegible]	[illegible] تیره [illegible] [illegible]	[illegible] [illegible]	قلعه [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
۹	**۱۰**	**۱۱**	**۱۲**
قلعه [illegible] تیره [illegible] ل [illegible]	قلعه [illegible] تیره [illegible] ل [illegible]	قلعه [illegible] [illegible]	قلعه [illegible] تیره [illegible] [illegible]
۱۳	**۱۴**	**۱۵**	**۱۶**
[illegible] تیره [illegible] [illegible]	قلعه [illegible] تیره [illegible] [illegible]	قلعه [illegible] [illegible]	[illegible] [illegible] تیره [illegible]
۱۷	**۱۸**	**۱۹**	**۲۰**
[illegible] تیره [illegible] [illegible]	قلعه [illegible] [illegible] تیره [illegible]	[illegible] قلعه [illegible] تیره [illegible]	[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
۲۱	**۲۲**	**۲۳**	**۲۴**
قلعه [illegible] تیره [illegible] [illegible]	[illegible] تیره [illegible] [illegible]	قلعه [illegible] [illegible]	قلعه [illegible] تیره [illegible] [illegible]
۲۵	**۲۶**	**۲۷**	**۲۸**
[illegible] تیره [illegible] [illegible]	قلعه [illegible] تیره [illegible] [illegible]	قلعه سفید تیره [illegible] [illegible]	[illegible] تیره [illegible] [illegible]

۴۴

۲۹	۳۰	۳۱	۳۲
قلعه [illegible]	قلعه [illegible]	[illegible]	[illegible]
تیره قره کرمه	تیره قره کرمه	تیره ترکی	تیره [illegible]
۳۳ قلعه [illegible]	۳۴ [illegible]	۳۵ قلعه [illegible]	۳۶ [illegible]
۴۰ [illegible]	تیره [illegible]		تیره [illegible]
۳۷ [illegible]	۳۸ [illegible]	۳۹ [illegible]	۴۰ [illegible]
[illegible]	تیره [illegible]	تیره [illegible]	
۴۱ قلعه [illegible]	۴۲ قزل [illegible]	۴۳ قره [illegible]	۴۴ قزل [illegible]
تیره [illegible]	تیره [illegible]	تیره [illegible]	
۴۵ [illegible]	۴۶ [illegible]	۴۷ [illegible]	۴۸ [illegible]

[illegible]

[illegible]

۱	۲	۳
[illegible]	[illegible]	[illegible]
۴	۵	۶
[illegible]	[illegible]	[illegible]
۷	۸	
[illegible]	[illegible]	

[illegible]

[illegible]		[illegible]	[illegible]
۱۲۹۱		۱۲۹۲	۱۳۰
[illegible]	[illegible]	جنرال [illegible]	[illegible]
۱۳۱	۱۳۲	۱۳۶	۱۳۸
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
۱۳۱۱	۱۳۱۲	۱۳۱۳	۱۳۱۳
[illegible]	[illegible]	[illegible]	
		۱۳۱۵	

[illegible]

[illegible]

[illegible]

۲۹ محرم الحرام ۱۳۱۴

[illegible]

هر به واسطه بنیان مستحکم عدالت [illegible] تا [illegible] سلطنت را چنانکه در دولت
محکم [illegible] کرده باشند

۱ دولت خارجی [illegible] کسی [illegible] به واسطه آن [illegible]
[illegible] نفوس مقدسه [illegible] برده شود

۲ [illegible] نزد ارباب [illegible] مقدوح [illegible] ممدوح است [illegible] در مقام [illegible] و آزادی [illegible]
[illegible] در عرض بیان آن تقصیر کنند [illegible] معتقدند [illegible]
[illegible] دولت [illegible] که [illegible] شود [illegible]
[illegible] خواهند [illegible]

۳ در عهد دولت اسلام [illegible] حنیف [illegible] و [illegible]
[illegible] ایران [illegible] چین [illegible] صولت [illegible]
[illegible] عدل کامل [illegible] احکام حضرت [illegible]
صلوات الله وسلامه علیه [illegible] داشتند

۴ [illegible] دولت خود به واسطه [illegible] احکام
[illegible] حنیف و عدل و ترویج و تعمیم آن [illegible] رونق [illegible] و قدرت
[illegible] هر کس [illegible] خود [illegible]
[illegible] عدلیه [illegible] دارد

۵ در اواخر دولت صفوی به واسطه [illegible] عدل [illegible] شرع مبین [illegible]
[illegible] ایران [illegible] نقطه [illegible]
[illegible] به راه [illegible]

۶ [illegible] و تفرق [illegible] مختلفه [illegible] و ترویج آن [illegible]
[illegible] ایران و ایرانیان [illegible] عدل [illegible]

بیع
[illegible]

[illegible] صلوات الله وسلامه علیه و علی آله الامجاد

۸ مثلا [illegible] تحقیق [illegible] دولت [illegible]
[illegible] حقیقت آن [illegible] عدل
[illegible] دولت [illegible] به لفظ [illegible]
[illegible] فقدان احکام اسلامیه است

۹ جنرال [illegible] جنرال [illegible]
[illegible] جنرال [illegible]
[illegible] جنرال [illegible] است [illegible]
[illegible] احکام [illegible] عدلیه [illegible] احکام [illegible]
[illegible] است

۱۰ [illegible] احکام اسلامیه [illegible]
[illegible] ضعف [illegible] دولت
[illegible] اختلاط

۱۱ مثلا مردم [illegible] قطع طریق [illegible] علم
[illegible] احکام است [illegible] ضرورت [illegible]
[illegible] است [illegible] است

۱۲ مثلا [illegible] فقدان احکام اسلامیه است [illegible] دولت [illegible]
[illegible] مردم [illegible]
[illegible] است [illegible]
[illegible]

مثلا [illegible] مقطعه [illegible] دولت [illegible]

و نتایج اولیهٔ مسلم عدالت از اصول محترمه است چنانکه نیز مهم است

۱۳ مثلاً یک نفر عرب فرضاً هزار و پانصد تومان مرسوم دارد و خارج از حرکات سلطنه او بیرون از ایران
بنی دربارهٔ سلطنه به مقدار آن نیز صرف است برای آنکه فرزند چرا دارد کار است
ابتدا از ایام تقرات قسمت نیز به آن دولت دست بدون بهانه ندارد
دست دارد از کارش او ایران تا به ترتیب نتایج سرکش باید سلطان
و ... ایران ... جداگانه دارند ... به آثار دست
قضا دست سرنشته دارد دیگر از پس امور است جمع ... الله ... ایرا
و بواسطه فقدان احکام اسلامیه نتایج کلیه مقرره و فواید کثیره مترتبه از ... مزبوره ... ان
مرتفع است

۱۴ همین حالت را دارند رعایای بیچاره ولایت در زیر دست ضابطان و مقصدیان ... است که
و ... کرده رعیت ایران ... محال آنها خراب و ... ممالک خارجه بواسطه ... آنها
آباد و همه روزه نیز در ... افزوده ... وضع ... دیگر ... می‌افزاید

۱۵ اگر یک نفر بواسطه دیانت و غیرت فطرت ... کند ... دولت ... به
دیگر ... بلا است ... از ... سرکش ... در ... حال ... میشود و بعکس
بعضی ... شده ... وضع احکام اسلامیه ... نیست

۱۶ پس ... مقدس ... حضرت ... که آن علو فطرت و همت ... اختیار
کلیه ... بدون الله تعالی است اگر صلاح ... ملاحظه فرمایند ... اولاً آنچه
دولت ... رعیت ... میکند بدون آنکه ... طرح ... بکرد
... خود ... احکام اسلامیه ... مشهور ... اتفاق ... سازد
و ضابطان ... و مقصدیان ... را ... لزوم ... است ... معین ...
و علاوه مفتشین ... مخفیه ... خارجاً ... ... مقرر فرمایند ... نزد ... که ... بدهد

وجهات مقرره شرعیه را ... رفتار نمایند ... دولت ... علوم ... کرده ... در ... اول ... برای
... به ضرورت کرده است ... عالم ... گفتار ... ... و ... فیه
و حیات ... مستند ... دیگر ... برای ... و ... ... و ...
خواهد ... کاری ... به ... و ... نشود ... مردم ... خط ... بپرسد ... سال ...
... به ... بعد ... سال ... صورت ... از ... حال ... است
مصدق ... ضرورت ... و ... جمعیت ... فرمایند

۱۷ در این صورت دیگر دولت محتاج نخواهد شد ... عنوانات ... ضابطان ...
عنوان ... و ... در ... خلف ... مقدم ... احکام عدالت اسلامیه است ...
... خود ... و ... صحیح

۱۸ همچنین ... ملاحظات عدلیه اسلامیه ... کرده ... مملکت
ابتدا ... کار ... دست ... ... کلیه ... خواهند کرد

۱۹ ... بواسطه ... عدل احکام ... حالت ...
... دولت
... عدلیه ... مفتشین مقرره ... آن مردم
... کرده ... اسلام
علاوه ... متفقه ... مملکت ...
... حالت ... است

۲۰ مثلاً اگر ... شرح ... حضرت
امیر علیه السلام ... نهج البلاغه ... علی ...
... رفتار ... کلیه ... سخت ...
... کاران ... مانند

[illegible] فرانسه [illegible] خارجه [illegible] است [illegible] عملیات [illegible] انگلیس [illegible]
[illegible] حضرت اشرف [illegible] ترتیب [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] خدا [illegible]

روس [illegible] حضرت [illegible] در [illegible]
ربیع الثانی ۱۳۱۳ [illegible]
نوشته

چون [illegible] حضرت اشرف [illegible] دولت [illegible] [illegible] خلاصه عرض میدارد

1 دولت روس [illegible] قشون [illegible] سرحد [illegible] [illegible] قوچان [illegible] بجنورد [illegible] [illegible] دولت [illegible]

2 بیرون بردن [illegible] قوچان [illegible] بجنورد [illegible] [illegible] خاک روس

3 [illegible] [illegible] اخراج کردن [illegible] از میان خانه [illegible] منزل [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible]

3 تحریک دولت روس [illegible] قوچان و بجنورد [illegible] [illegible]
5 [illegible] دولت علیه [illegible]
[illegible] [illegible]
در ۲۶ ربیع الاول ۱۳۰۱

6 [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible]
[illegible] در ۲۸ جمادی الاولی ۱۳۰۱ [illegible]
[illegible] دولت علیه [illegible] ۱۳۰۳ [illegible]
[illegible]

7 تحریک دولت روس [illegible] قوچان و بجنورد [illegible] [illegible]
[illegible] دولت [illegible] در ۲۳ ربیع الاول ۱۳۰۱

8 [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] ۱۳۰۱

9 تحریک دولت روس [illegible] بجنورد [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] در ۱۳۰۲

10 تحریک دولت روس [illegible] قوچان و بجنورد [illegible] در سنه ۱۳۰۵
[illegible]

11 [illegible] [illegible] بجنورد [illegible] [illegible]
[illegible] بجنورد [illegible]
[illegible] دولت [illegible] [illegible]
[illegible] ۲۳ جمادی الثانیه ۱۳۰۵

توضیح
[illegible] [illegible] ۱۳۰۵

[illegible]

۱۱ [illegible] دولت علیه [illegible]
[illegible]
[illegible]

۱۳ [illegible] ۱۳۰۵

۱۴ تحریک دولت [illegible]
~~[illegible]~~
~~[illegible] ۱۳۰۲~~

۱۵ تحریک دولت [illegible] دولت [illegible] ربیع الاول ۱۳۰۲

۱۷ [illegible]
[illegible]
[illegible] ربیع الثانی ۱۳۰۲

۱۸ [illegible]
[illegible] صفر ۱۳۰۸

۱۹ [illegible]
[illegible] ۱۹ محرم ۱۳۰۸

۲۰ [illegible] ۱۳۰۶

۲۱ [illegible]
[illegible]

۲۲ [illegible]
[illegible] جمادی الاولی ۱۳۱۱

۲۳ [illegible]
[illegible] صفر ۱۳۱۱
[illegible]

۲۴ [illegible] رجب ۱۳۱۲ [illegible]
[illegible] ایران [illegible]
[illegible]

۲۵ [illegible]
[illegible] دولت علیه [illegible]
[illegible] ۱۳۱۰

۲۶ تحریک [illegible] دولت علیه [illegible]

۲۷ [illegible] جمادی الاولی [illegible]
[illegible]

۲۸ [illegible] دولت [illegible]
[illegible]

۲۹ [illegible] دولت علیه [illegible]

سواد نوشته [illegible] حاجی طاهر [illegible]

[illegible]
[illegible] حاجی [illegible] ایران [illegible]
[illegible] جمادی الاولی ۱۳۱۰

سواد نوشته جناب مستطاب [illegible] ۱۳۱۳

در انجام مطلب قطع نظر [illegible] حضرت [illegible] کاغذ خود نوشته [illegible] نوشته [illegible]

سطح [illegible]

سواد نوشته [illegible] عزاوی

تاریخ ششم شهر صفر المظفر ۱۳۱۲ [illegible] ذکر [illegible] جناب [illegible] دولت علیه ایران [illegible] دولت علیه ایران [illegible]

سواد نوشته حضرت [illegible] صدر اعظم ایران [illegible]

بیست و پنجم رجب ۱۳۱۲

نوشته به خط [illegible] جنرال [illegible] بزرگ [illegible] داده است [illegible] دولت علیه [illegible] بدهند

ایضاً [illegible] ذیقعده ۱۳۱۳

در [illegible] دولت علیه [illegible]

عریضه [illegible]

پنجم ربیع الاول ۱۳۱۴

اگرچه [illegible] دولت [illegible] حضرت [illegible]

[illegible] ۱۹ ذیقعده ۱۳۱۳ [illegible] ۲۹ محرم ۱۳۱۴ [illegible] مبارک [illegible]

1 [illegible] دولت [illegible] حضرت [illegible]

2 [illegible]

3 [illegible]

4 [illegible]

5 [illegible]

۶ پس دولت ایران ودولت عثمانیه [illegible] واجب است که با خیال اسلامیت متین در [illegible] وا داشت افغانستان طوری عقد مرافقت ببندند که جهت بشوند که ای علم اسلامیه را افراد مسلمان را در هر نقطه و خطه که بوده باشند بمنزله جسم واحد شمرده شوند

۷ چنانکه دولت آلمان ومیرکه در حل ارسباب ولایات چین رحمت برده تفقیت منافع بعضدار آن شدند

۸ تا بواسطه این اتفاق و اخوت از مجهور صورت اهل ملیه را از بطون درستی [illegible] هست چنان دوام [illegible] برافراشته شود و دست فیروزی [illegible] که دولت آنخطه اهل آن هست که تا ابد بوده باشد استقلال و [illegible] آنها هر روز قوی بسته شود واز منجمه این تفرقه و عدم [illegible] خداوند است که هم [illegible] خلاص دارد

۹ پس حصول این مقصود مقدس حقیقت آن دقیق است که [illegible] است تسویه بعض [illegible] و تعلیم انتظام در رعایت قوانین اسلامیه از زیاد لازم و واجب است که مختصر از آن را در نصیحت المرجحت مورخ ۲۹ محرم الحرام ۱۳۱۳ معروض داشته‌ام

۱۰ یقین است هر شخص در افراد هر ملت و دولتی [illegible] و [illegible] خود [illegible] عواطف صادقانه را خواهد داشت

۱۱ فعلی [illegible] دولت خدای [illegible] این نکته [illegible] عرضه داشت

۱۲ در مرتبه ثانیه برای دولت علیه در صورت [illegible] رعایت قوانین اسلامیه [illegible] و مسلط راه [illegible] رواج نشود باید [illegible] ضرورت است در [illegible] تنقیح داده یک خط راه آهنی از [illegible] اهالی محرم استعداد هم بهمه جای [illegible] دولت محسوب شود [illegible] خطی از ایران منشعب کرده از [illegible] و ایران منتهی شود و [illegible] خطی از طهران به خراسان گذشته در [illegible] این خط [illegible] جزء [illegible] ایران [illegible]

یک [illegible] خواهد شد اتصال [illegible] چند از این خط [illegible] خط [illegible] که تمام نقاط دولت را این خط [illegible] آن [illegible] گرده هر یک [illegible] منافع [illegible] دیگر [illegible]

۱۳ چون دولت علیه در رابطه [illegible] در [illegible] اتمام شده [illegible] از آن [illegible] در ملک [illegible] در [illegible] ضرورت است [illegible] طرق [illegible] و تحقیق [illegible] هر [illegible] اگر [illegible] کلمه [illegible] در صورت [illegible] از آن [illegible] محتاج [illegible] داشته [illegible]

۱۴ برای [illegible] آن [illegible] اتفاق [illegible] دولت [illegible] واجب است [illegible] نقاط [illegible] دولت علیه [illegible] خط راه آهنی [illegible] استعداد [illegible] بواسطه خط [illegible] و تحقیق ضروریات [illegible] از آن خط [illegible] خط [illegible] محسوب شود

رجوع مأمورین ومراقبه وزراء ادارات اسلام

سلاطین [illegible] و [illegible] بزرگ [illegible] دانشمندان [illegible] مردان [illegible] کتب [illegible] ترجمه صحیح [illegible] از [illegible] کتب [illegible] سلاطین [illegible] ایران [illegible] کتاب [illegible] البلدان [illegible] داشت تقویم البلدان [illegible] کتاب [illegible] داشته

از [illegible] سلاطین [illegible] سال [illegible]

از [illegible] تقویم سلاطین [illegible] سلطنت [illegible] ۹۰ سال [illegible]

... ۱۰ ... [illegible] ... اجلاس ... الحب ... [illegible]

... [illegible] ... می فرستد ... [illegible]

... [illegible] ... بدست ... [illegible]

... [illegible] ... حضرت ... [illegible]

... [illegible] ... عدل ... [illegible]

باز گرفت

صاحب ... [illegible] ... فخر الدوله ... بارگاه سلطان ... [illegible]

... فخر الدوله ... جواب ... [illegible] ... سلطان ... [illegible]

... [illegible] ... بارگاه تشرف جستم

تلگراف حضرت علی اصغر خان صدر اعظم در جلیه

بیست و چهارم ربیع الاول ۱۳۱۱

مسعود سلطان میرزا محمد خان ... [illegible] ... طهران عزیمت ... [illegible]

... [illegible] ... عزیمت ... [illegible] (صدر اعظم)

شنبه سیم ربیع الثانی ۱۳۱۱ ... [illegible] ... طهران ... حضرت اشرف صدر اعظم ... [illegible]

عزیمت ... مسعود سلطان کریمداد خان سرتیپ ... [illegible]

... [illegible] ... کردند ... [illegible]

سرتیپ ... [illegible] ... وداع کرده ... [illegible]

گذشته ... [illegible] ... تشریف آوردند

... [illegible] ... وداع کرده

عکس مسعود سلطان کریمداد خان سرتیپ

... [illegible] ... جناب مستطاب

... [illegible] ... طهران ... [illegible] ... حرکت کرده

... [illegible] ... رسیده) ... [illegible]

... [illegible] ... واقع ... [illegible]

... [illegible] ... نقطه ... [illegible]

... [illegible] ... ایران است ... [illegible]

... ایران ... [illegible] ... واقع ... [illegible]

... [illegible] ... واقع ... [illegible]

... [illegible] ... نقطه ... [illegible]

... [illegible] ... واقع

از بجنورد تا قرلو — فرسخ مسافت است قرلو جای بسیار خوبی است زیرا که خود در دره دامنه کوه
ایل واخ افتاده و عمارت آن در وسط دره و در نقطه منظر کاملی است [illegible] دارد
دره به شعر با صفا منظرها داشت قلعه است معدن [illegible] است از قرلو تا دره قوچان
و دره با [illegible] ۳ دره موازی هم [illegible] اینها که معروف است [illegible] بجنورد [illegible]
بجنورد [illegible] بطول [illegible] و عمارت زیاد و آبهای فراوان دارند [illegible]
[illegible] است [illegible] ایل واخ [illegible] است [illegible]
[illegible] است و منبع آبهای [illegible] گلستان [illegible] قرک [illegible]
مقدس هم [illegible] است و آب [illegible] دارد [illegible] استعداد دارد [illegible]
جنوب و شمال آن خوب است

یکشنبه چهارم [illegible] (۲۱) از قرلو به چهار بید [illegible] مسافت [illegible]
[illegible] است [illegible] ایل واخ [illegible]
[illegible] معروف [illegible] راه [illegible] است [illegible]
[illegible] میدان [illegible] قرلو [illegible]
[illegible] راه [illegible] طرف یمین [illegible]
راه [illegible] فرسخ [illegible] طرف یمین راه [illegible]
[illegible] فرسخ [illegible] ایل واخ [illegible]
[illegible] طرف یمین [illegible]
[illegible] میشود [illegible]
[illegible] میدان [illegible] قوچان [illegible]
[illegible] قوچان [illegible] دارد [illegible]

[illegible] است [illegible] قطران است [illegible] فرسخ [illegible]
[illegible] ایل واخ [illegible] است [illegible]
قوچان [illegible] است [illegible]
[illegible] فرسخ [illegible] منزل رسیدیم [illegible] ایل واخ [illegible] قوچان معدن [illegible]
[illegible] است چهار بید [illegible] قوچان [illegible] قوچان [illegible] سلطان [illegible]
[illegible] است [illegible] قوچان [illegible] است [illegible] دارد [illegible]
[illegible] دارد

دوشنبه [illegible] (۲۲) از چهار بید [illegible] مسافت [illegible] فرسخ [illegible]
[illegible] دارد [illegible] چهار بید [illegible]
[illegible] فرسخ [illegible] حرکت کردیم [illegible] طرف یمین [illegible]
[illegible] است [illegible] راه است [illegible]
[illegible] فرسخ [illegible]
[illegible] طرف [illegible]
واقع بود [illegible] فرسخ [illegible] بجنورد [illegible] کردیم [illegible]
[illegible] مشرق است [illegible]
[illegible] میدان [illegible]
[illegible] امام [illegible]
[illegible] است [illegible] فرسخ [illegible]
رسیدیم [illegible] دارد
[illegible] است [illegible] فرسخ [illegible] مشرق [illegible]

و از آنجا به طرف ... راه ... دو منزل که به ... واقع ... سلطان

نصرة الدوله ... حاکم ... اسفراین و چهارده ... آقا محمد ... خان را ...

... بواسطه ... نمودند ... آب ... به ... است

اسفراین و ... است آن خوب است آب ... دارد اسفراین

بوده ... حاکم ... ایرج و ... حاجی ... اولاد

... زیاد است ... هزار ...

رعیت دارد ... واقع است ...

... چهارده ...

در حرکت ... خراسان ... رسیدیم ... جعفرآباد ...

میرزا مصطفی قلی ... چهارده ... خلاصه ...

زیاد است ... واقع است ... رعیت

دارد ... آقا میرزا اسمعیل ملک ... آقا میرزا اسمعیل ... آقا میرزا

عبدالحمید ... چهارده ... هزار ...

سه شنبه ششم ربیع الثانی ۱۳۰۱ از ... به چهارده ... یازده فرسخ راه ... مسطح ...

جنوب دارد ... فرسخ ... دست ... چهارده ...

به قریه ... دست ... جعفرآباد ... جعفر ...

برای ... واقع بود ...

آقا خان ... جعفرآباد ... استقبال کرده ... چهارده ...

چهار فرسخ ... قطع مسافت کردیم ... جنوبی که ... است

... نصرة الدوله ... فرسخ ... دست ...

نصرة الدوله ... اردوی ... یک فرسخ ...

... رسیدیم ... سلطان ... کرده ...

... واقع ... قلعه ...

... قریب ... فرسخ ...

قلعه ... فرسخ ... قلعه ...

... کرده ... الدوله

خود ... استقبال کرده یک فرسخ ...

... فتح الله خان ...

... فتح الله ... فرسخ ...

... محمد ...

... محمدشاه ...

در سنه ۱۲۵۴ ...

عکس ...

[illegible]

افراسیاب خان	اسفندیار خان	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	

[illegible]

پنجشنبه هشتم ربیع الثانی 1311 [illegible]

[illegible]

[illegible]

جمعه نهم ربیع الثانی 1311 [illegible]

[illegible]

کاشی کتیبه ... [illegible]

[illegible]

چه دانی ... [illegible]

... لیلة القدر

[illegible]

... کلاته واقع است

شنبه دوم ربیع الثانی ۱۳۰۱ ... [illegible]

[illegible]

یکشنبه سوم ربیع الثانی ... [illegible]

[illegible]

تلگراف حضرت مستطاب اشرف صدراعظم

نهم ربیع الثانی

۱۳۱۱

بتوسط ... میرزا محمد قلیخان محب الملک کارگذار بجنورد — اگر حرکت از بجنورد کرده باید ... و اگر از بجنورد بیرون آمده باید در هر جا که تلگراف بشما میرسد زود مراجعت به بجنورد نمایند ... تفصیل بعد نوشته میشود (صدراعظم)

ایضا یازدهم ربیع الثانی ۱۳۱۱

بتوسط ... میرزا محمد قلیخان محب الملک کارگذار بجنورد — عزیمت بطهران نکرده زود مراجعت به بجنورد نمایند تفصیل بعد نوشته خواهد شد (صدراعظم)

تعبد و شرافت

اگرچه ... [illegible] ... ایرانیان ... [illegible] ... بعضی ... [illegible] ... بر این عقیده ... [illegible] ... و ... [illegible] ... اما ... [illegible] ... میدهند ... [illegible] ... نتیجه ... [illegible]

صفات ایرانی و اخلاق

ادب

ادب دوست و رحم دل است ... ایرانی ... با عموم مردم ... است ... [illegible] ... دو سال ... [illegible] ... است ... [illegible] ... [illegible] ... دارد ... [illegible] ... محروم ... الهم ... [illegible]

عریضه جناب ... [illegible] ... حاجی ... [illegible]

بتاریخ ... [illegible]

ربیع الثانی ۱۳۱۳

... [illegible] ... دولت علیه ... [illegible] ... خالصه ... [illegible] ... دولت ... [illegible] ... املاک خالصه ... [illegible] ... ملاحظه ... [illegible] ... است ...

... [illegible] ... املاک دولت علیه ... [illegible] ... محتوی ... [illegible] ... املاک ... [illegible]

عکس [illegible] محمد قاسم الملقب [illegible]

۱ [illegible] این قصر [illegible] که در صورت آن مخزن دولت [illegible]

دولت است و این عجیب است که [illegible] هیچ درجه پایه میزان عدالت [illegible] شود را

دولت اول که خالصه خریداری شود [illegible] است امکان دولت قوی گردد [illegible]

یکی از فواید اصلیه دولت روس است راه آهن [illegible] میزان [illegible] ۳

خریداری کرده قدرت طبیعیه خود را به سرحد کمال برساند

عجب است که دولت علیه ایران این مخزن حقیقی ثروت طبیعی خود [illegible] خاصه [illegible] ۴

این را اگر [illegible] نظر [illegible] روزی دولت خود را [illegible] خواهد بود که چاره آن از [illegible]

بیرون شد [illegible]

امید

که در نظر سعادت اثر [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

۱۳۱۵

عکس جناب میرزا محمد حسین [illegible] طبیب نظام . میرزا محمود خان است و فرزندی میرزا محمد تقی خان [illegible]
[illegible] از ابتدا [illegible] [illegible] [illegible] ایشان تحصیل کرده است [illegible]

[illegible] از ابتدا [illegible]

صورت تلگرافی [illegible] حضرت [illegible] میرزا [illegible]
امین الدوله صدر اعظم و [illegible]
[illegible] وزیر [illegible] چهارم
١٣١٥
جمادی الاولی

[illegible] جناب [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible]

[illegible] صدر اعظم [illegible]
١٣١٥
[illegible] جمادی الاولی [illegible]

[illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] جناب [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible]

قربانت گردم [illegible] جناب‌عالی [illegible]
[illegible] حضرات [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] (امضاء)

یک رقعه [illegible]
تاریخ [illegible] ۱۳۱۴

قربانت گردم برای زحمت [illegible] جناب‌عالی [illegible]
[illegible] حضرات [illegible] حضرات [illegible]
[illegible] جناب‌عالی [illegible] (امضاء)

[illegible]

[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

[illegible]

۱۳۱۴ [illegible]

۱ [illegible]

۲ [illegible]

۳ [illegible] ۱۳۱۲ [illegible]

۴ [illegible]

۵ [illegible]

[illegible] ۱۳۱۲ [illegible]

۶۱

هر روز قوه جوانان [illegible] داده می‌شود

۷ دولت ایران [illegible] عقاید [illegible]

[illegible]

۸ [illegible] حقوق [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

دارد

۹ [illegible] دولت [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

۱۰ [illegible] حقوق [illegible]

خواهد

۱۱ [illegible] دولت [illegible]

[illegible]

۱۲ [illegible]

[illegible]

۱۳ دولت [illegible] می‌گیرد دولت [illegible]

[illegible]

[illegible] می‌گیرد

[illegible]

دیگر معنی نکند ... عرض کرد ... [illegible]

جریده ... دولت علیه ... [illegible]

در ... [illegible] ... خواهند ...

[illegible]

۱۳۱۵

۱۸ ... رجب ... [illegible]

حکام و ... دولت علیه ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

۱۳۱۲ ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] سمیع بصیر و علیم [illegible]
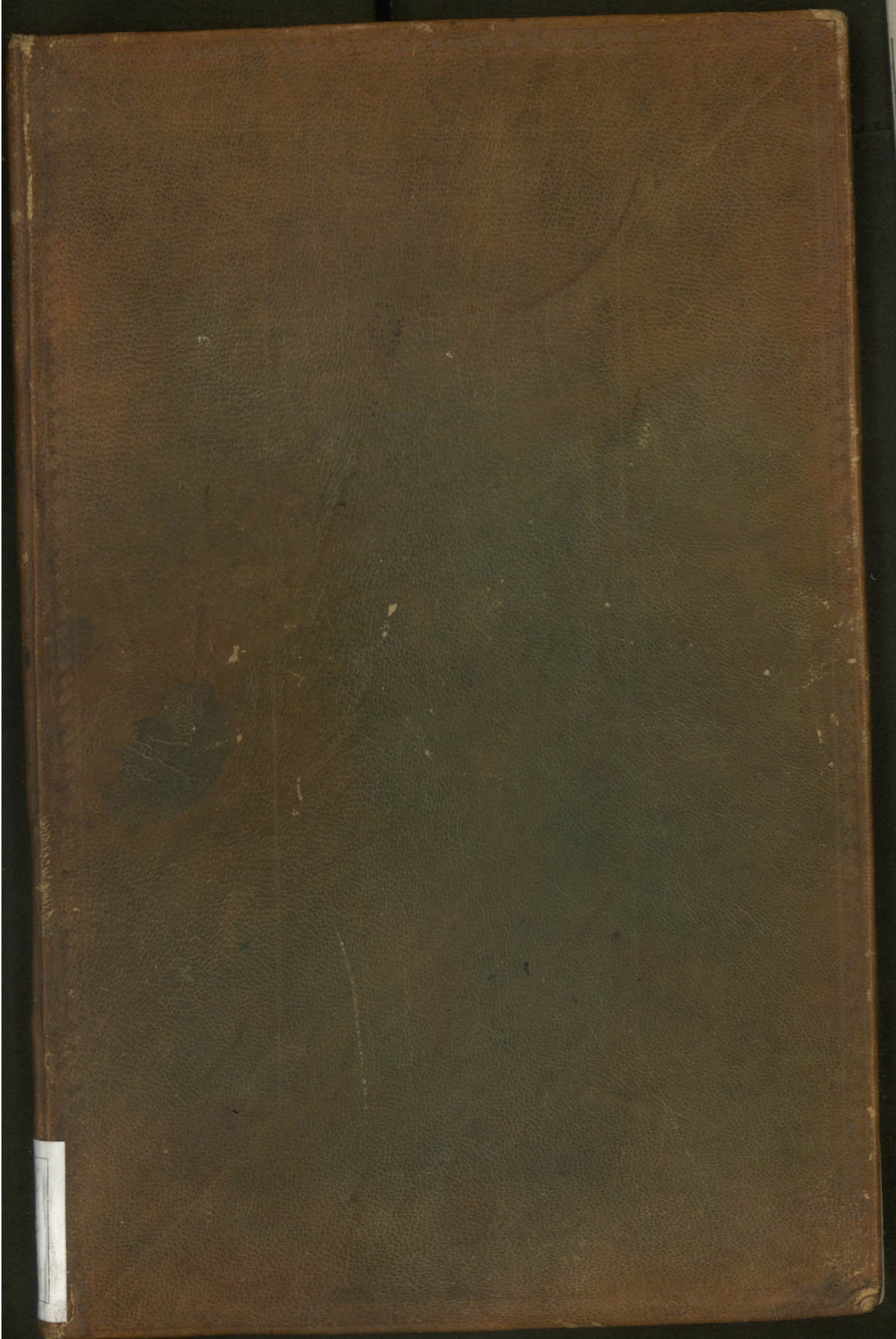
[illegible]